

تذکرہ زبدۃ الاولیاء  
شیرانی حضرت میاں شیخ محمد شرقی نقشبندی  
قدس سرہ العزیز



تالیف: محمد زید راجحہا

تذکرہ

# زبدۃ الاولیاء

شیرربانی حضرت میان شیر محمد شرقپوری  
نقشبندی مجددی قدس سرہ العزیز

لکھنؤ

از

محترم سید غلام علی شاہ صاحب

علی پور گجران

تالیف

محمد نذیر انجم

لکھنؤ

از انتشارات

شعبہ نشر و اشاعت دارالمبلغین حضرت میان صاحب

شرقپور شریف ضلع شیخوپورہ (پاکستان)

## حق چاپ و عکس برداری از این نسخه محفوظ است

نام کتاب :- تذکرہ زبدۃ الاولیاء قلس سرہ العزیز

تالیف :- محمد نذیر رانجھا

طبع اول :- 1995ء

تعداد :- 1100 نسخہ

چاپ کنندہ :- آر - زید - پیکجز - لاہور

1- مکتبہ نور اسلام شرقپور شریف ضلع شیخوپورہ (پاکستان)

2- جامع مسجد شیرربانی - اکبر روڈ مدینہ چوک

وسن پورہ لاہور

3- دفتر ماہنامہ نور اسلام جامع مسجد قادریہ

شیرربانی 21- ایکڑ سکیم سمن آباد لاہور

# فهرست

صفحه

- 5 پیش گفتار از صاحب زاده میان جمیل احمد شرقپوری  
9 این سعادت بزور بازو نیست از محمد ننیر رانجها

## باب اول

- 11 در احوال خانوائگی حضرت میان صاحب  
11 احوال حضرت صالح محمد صاحب  
12 احوال حافظ محمد عمر صاحب  
12 احوال مولوی غلام رسول صاحب  
13 احوال میان محمد حسین صاحب  
13 احوال میان عزیز الدین صاحب

## باب دوم

- |    |                                      |           |
|----|--------------------------------------|-----------|
| 15 | در ولادت باسعادت حضرت میان صاحب      | فصل اول   |
| 18 | در کونکی حضرت میان شیر ربانی قدس سره | فصل دوم   |
| 20 | در آموزش و پرورش حضرت میان صاحب      | فصل سوم   |
| 21 | در عالم شباب حضرت میان صاحب          | فصل چهارم |
| 25 | در بیعت مرشد تاعطائے خلافت           | فصل پنجم  |
| 31 | در مسافرت ہائی روحانی                | فصل ششم   |

## باب سوم

- |    |                      |         |
|----|----------------------|---------|
| 33 | در اتباع سنت         | فصل اول |
| 35 | در ارشاد و تبلیغ دین | فصل دوم |

## باب چهارم

کشف و کرامات

45

## باب پنجم

سفر ناربقا و جانشین

49

## باب ششم

در تعمیر مساجد

فصل اول

51

در نشر و اشاعت بین و

فصل دوم

56

معارف اسلامی بصورت کتب

## باب هفتم

ایات بلغناز که حضرت شیر ربانی

63

قدس سره می خواند

## باب هشتم

ملفوظات گرامی

67

## باب نهم

واریات قلبی

## باب دهم

خلفائی عظام

ماخذ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۝

## پیش گفتار

وقتیکه خداوند سبحانه و تعالی آدمی را از جنت بیرون کرد و درین عالم فرستاد او از روی فضل عمیم خود یک ضابطه حیات بهم آدمی را اعطا فرمود تا زندگانی خود را تا مین کند و یک قرینه برای زیست خود را دار سازد که برائے کامرانی و کاریابی زیستش ضامن باشد چنانکه ارشاد باری هست

قلنا اهبطوا منها جميعا فاما ياتينكم مني هدى فمن تبع هدى

ای فلا خوف علیهم و لا هم یعززون

بر طبق این ارشاد باری طائفه‌ی مقدس انبیاء علیهم الصلوٰة والسلام یکی بعد دیگری مبعوث شدند تا هدایت ربانی را به بندگان او رسانند این سلسله انبیاء دراز کشید تا آنکه حبیب کبریا خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم تشریف آوردند آن والا جناب صلی الله علیه و سلم نبی آخر الزمان هستند و دین اسلام را تکمیل دهنده و خاتم هستند لذا بعد آن والا جناب صلی الله علیه و آله و سلم فریضه دعوت و تبلیغ بعهدہ اولیای کرام تفویض شد و این نفوس پاک از فریضه این منصب را نیک برآوردند برای این طائفه در قرآن پاک ارشاد خداوند هست

الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یعززون

این جا این نکته مهمی جالب توجه می باشد که اولیائی کرام را این عظمت و مرتبت بچه وسیله وصول شد این نکته را قرآن حکیم واضح فرموده است

قرآن کنتم تعبون الله فاتبعوني يحببكم الله

ممد وح ما حضرت میاں شیر محمد شرقپوری این نکتہ مهمی را نیک  
فہمید و اتباع سنت را پیکر بود اونه نتھا خردش اتباع سنت مطہرہ را لازم  
گرفت دیگران را ہم باین مراد تلقین فرمود این تلقین گاہی بطریق جلال بود  
و گاہی بطریق جمال۔ ولی تمنای دلی او بود کہ ہمہ مسلمانان بہ صمیم  
قلب پیروی سنت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را بعہدہ خود گیرند  
خد اوند متعال انبیاء را معجزات عطا فرمود کہ تقاضای عصر را بسندہ  
آمدند ہمچنان اولیاء کرامات عطا فرمود کہ حسب تقاضای زمان این بزرگان  
عالی مقام بود حضرت ممد وح شیر ربانی دریک عصر فلسفیانہ وی مذہب  
و عقل پرست بد نیا آمد این را یک ولی کامل لازم بود کہ زنجیر فلسفہ  
و استدلال بشکند و اہل جہاں را بچشم سرخود شان جہانی تماشا نماید کہ  
ورای منطق و استدلال باشد بعد نظارہ این جہان ہیج تردد در ہیج قلب نماند در  
ہستی باری تعالی و مرتبہ والا صاحب لولاک و واقعات روحانی مش معراج و  
غیر آن۔

خد اوند متعال بفضل خاص خود حضرت ممد وح شیر ربانی میاں شیر  
محمد شرقپوری را برای مرتبہ والا گزید کہ جان ولایت باشد اوصاف یگانہ  
اخلاق کریمانہ کمالات واپانہ ہمہ یکجا شدہ بودند کشف و کرامت و  
تصرف و القاب این مرتبہ بود کہ بینندہ رادہاں باز بمانند و مردمان ارادت را بان  
درجہ ایمان می رساند کہ قرما این را والا بودند عصر جدید کہ عصر  
فلسفہ و تکنولوژی ہست و ہرکس کہ از روشنی جدید کور شدہ پیش آن  
ممد وح آمد دریک لحظہ ہمہ حجابات از پیش او کافور شدند و از ہمہ ذمائم  
نفسانی پاک شدہ مشتاق گشت برای نور اسلام۔

درین عصر کہ عصر سائنس و تکنولوژی ہست سوانح مبارک اولیای  
حق یک منارہی نور میباشند این امر لازم را احساس کردہ شد کہ نژاد نو  
رابہ زندگانی حضرت ممد وح معرفی شود تا اذہان منطقی

و فلسفی جدید کمی اصلاح یا بند از روح اسلام آشنا شوند و مقام و مرتبه ی شارع اسلام صلی الله علیه وآله وسلم را بشناسند و دین مستقیم اسلام را رهبر و رہنمای خود ساخته در دین و دنیا کامرانی می جویند۔ برای این مقصود مجلدات متعددی بزبان اردو و پنجابی نوشته شده و انتشار یافتند مثل خزینہ معرفت انقلاب الحقیقت تذکرہ اولیای نقشبند المعروف شیر ربانی آفتاب ولایت ذکر محبوب خطبات شیر ربانی و منبع انوار و غیر آن۔

بندہ را یک آرزوئی دیرینه بود کہ بزبان انگلیسی 'فارسی' و عربی ہم چند کتب طبع شوند کہ فیوض و برکات این ولی کامل 'جامع صفات' قطب الاقطاب و درویش عصر را بخوانند گان این زبانہائی خارجی معرفی شود و آنان ہم از فیوض و برکات حضرت مستفیض شوند۔ للہ الحمد کہ آقای محمد ننیر رانجھا این کتاب را بزبان فارسی نوشته تمنای مرا عملی ساخت۔ بد رگاہ کار ساز دعا گویم کہ از فضل عمیم خود مصنف را بہ نعمت ہائی دنیا و آخرت و قلم اورا سعادت ہائی فراوان بخشد کہ برای اولیای دیگر ہم چنین خدمت انجام دہد۔ آمین بجاہ سید المرسلین۔

صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپوری



## این سعادت بزور بازو نیست

نخستین کار علمی که در دست این فقیر آمد تصحیح "رساله ابدالیه" تصنیف لطیف سلطان المشائخ حضرت مولانا یعقوب چرخ‌چی قلس سره بود که از سوی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام آباد چاپ و نشر گردید. پس این بهانه ای بود برای مسافرت علمی و ادبی این ناچیز و فیض و برکت روحانی حضرت مولانا یعقوب چرخ‌چی که یکی از عارفان بزرگ و نامی سلسله عالیہ نقشبندیہ می باشند بعد ازین رحمت و فضل باری تعالی بطوری یارو مددگار این ناچیز شد که ترجمه اردوی "رساله ابدالیه" و "رساله انسیه" (متن فارسی مع ترجمه اردو) و "رساله حورائیه" (متن فارسی مع ترجمه اردو) و "شرح اسماء الحسنی" (متن فارسی مع ترجمه اردو) هم از تصنیفات حضرت مولانا یعقوب چرخ‌چی را این فقیر چاپ و نشر کرد. سپس "نسائم گلشن" (فارسی) از شاه داعی الی الله شیرازی و تصحیح و تعلیق نمودم و بعداً کتاب "لمعات من نفعات القدس" (فارسی) از شیخ محمد عالم صدیقی علوی بکوشش و مقلمه این فقیر از جانب همون مرکز تحقیقات طبع گردید و "فهرست نسخه های خطی قرآن مجید در کتابخانه گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان" که حقیر تالیف نموده است در سال (۱۹۹۳ م) از همون مرکز تحقیقات چاپ شده است.

بمراه این کارهای تحقیقی و علمی مقالات متعدد و گوناگون بزبان فارسی و اردو به مجله های مؤقر و معروف علمی و ادبی پاکستان و ایران نیز می نگاشته ام که مورد پسند اهل علم و دانش هردو کشور شده اند.

علاوه ازین تالیف و ترجمه چند کتاب دیگر نیز کرده ام که از آنها: (۱) "جلید فارسی گرامر" (اردو) یعنی "دستور نوین زبان فارسی" و (۲) ترجمه اردوی کتاب: "بحر الحقیقه" از خواجه احمد غزالی قلس سره و...

(۳) "کنز العلم و العمل" (ترجمہ اردوی ۴۹۱ - حدیث نبوی) کہ ہر سہ از سوی عتیق پبلشنگ ہاؤس، لاہور طبع گردیدہ اند ○ کتابی دیگر بنام: "قدیم عدالتی زبان اردو" (بزبان اردو) تالیف نموده ام کہ مغربی پاکستان اردو اکادمی لاہور آنرا چاپ کردہ است ○

قریب بیست سال میشود کہ بنہ از محبت و شفقت علمی و روحانی حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری صاحب مدظلہ العالی بہرہ مند می شوم و این سعادت ہرگز بزور بازو نصیب نگشتہ است بلکہ بخشش و عطای بیکران خداوند متعال می باشد دو سال قبل حضرت صاحبزادہ صاحب مدظلہ العالی بہ این حقیر فرمان داد کہ تذکرہ شیر ربانی قلم سرہ بزبان فارسی مرتب سازد۔ فرمان ایشان موجب صد افتخار و سعادت سرمای گردید برای این ناچیز، لنا "تذکرہ احوال و مقامات زبده الاولیا شیر ربانی حضرت میاں شیر محمد نقشبندی مجددی شرقپوری قلم سرہ" تالیف نموده ام کہ اکنون در خدمت اقدس آن محترم و بزرگوار و عالی مرتبت مدظلہ العالی تقدیم میشود بہ این التماس کہ دعا فرمایند کہ این "تذکرہ" ذریعہ سعادت دو جهان این حقیر گردد و خداوند بزرگ و برتر این گناہگار را بکرم عمیم خود بہ بخشد و در محشر زیر پای اولیای عظام سلسلہ عالیہ نقشبندیہ جا نصیب فرماید۔

خاکپای اولیای کرام

احقر محمد نذیر رانجھا غفر فنوبہ و ستر عیوبہ

(۱۱) فی الحجہ (۱۳۱۳ھ) بمطابق (۲۳ مہ ۱۹۹۳م)

مکان نمبر ۱۳۱ - غازی آباد - کمال آباد

راولپنٹی - صدر

## باب اول

## در احوال خانوادگی حضرت میان صاحب

حضرت نیک بی بی همسر میان شهاب الدین صاحب روایت می کند که از اجداد ماسه نفر از "دیپالپور" به "قصور" آمدند (۱) یکی از ایشان ازدواج نموده بود و دو تن هنوز ازدواج نکرده بودند در "قصور" بالای "قلعه نوان کوٹ" قیام نمودند دانشمندان و عالمان بودند و خوشنویسی قرآن کریم می نمودند و شاید همین ذریعه معاش داشتند از رسم و خانواده ایشان آگاهی نیست گویا بسبب قحط از "دیپال پور" مراجعت نموده اینجا (قصور) وارد شده بودند صاحبی که از ایشان اهل دار بود پس به "دیپال پور" رفت و بقیه دونفر در "کوٹ پیران" "قصور" مقیم گشتند از این دونفر صاحبی که در "کوٹ پیران" اقامت گزین شد نمی دانیم که از ایشان جانشینی باقی ماند یا نه؟ ولی صاحبی که در "کوٹ پکه قصور" مقیم شده بود بزرگی به اسم حضرت صالح محمد صاحب رحمته الله علیه شهرت یافته که در سه واسطه به شجره خانوادگی ایشان می رسد

## احوال حضرت صالح محمد صاحب

حضرت صالح محمد صاحب رحمته الله علیه خوشنویسی قرآن مجید می نمود حضرت میان صاحب رحمته الله علیه می فرمود که اگر کسی از اجداد مامی پر سید که نام خانواده شما چیست؟ می فرمود: "ماخوشنویسیم!" میان نورالحسن صاحب قصوری می گوید که از پدر بزرگوار خود شنیده بودم و پدر بزرگوارم از جد امجد خود میان امام الدین صاحب روایت نموده که نوابی از آن روزگار کسی را پیش حضرت میان صالح محمد رحمته الله

علیہ فرستاد کہ ما گاوی را پرورده ایم و او بچه ای زائیده است۔  
 اکنون نمی گنارد که بچه اش شیر او بخورد و یا ما شیرش را بگیریم۔  
 حضرت میان صالح محمد صاحب رحمتہ اللہ علیہ فرمود:  
 "گاو را بگوئید کہ شما اورا پرورده اید و خلعتی او نیز نموده اید"  
 لذا بگنارد کہ شما شیرش بگیرید۔" چون گاو را این فرمان دادند شیر  
 گرفتن گناشت و مطیع گردید۔

## احوال حافظ محمد عمر صاحب

حضرت محمد عمر صاحب رحمتہ اللہ علیہ جد بزرگوار حضرت میان  
 صاحب بود۔ علاوه از خوشنویسی در طب و پزشکی مهارت خاصه داشت  
 مردی نہایت نیک بخت و صالح بود۔

## احوال مولوی غلام رسول صاحب

مولوی غلام رسول صاحب بزرگی عالی مرتبت در "قصور" می بود۔ خانہ  
 ایشان در "مکان کوٹ حاجی رانجھہ خان" متصل "مسجد حاجی رانجھہ  
 خان صاحب" می بود۔ صاحب "خزینہ معرفت"۔ صوفی محمد ابراہیم قصوری  
 این خانہ را زیارت کرده بود و می گوید کہ در این خانہ زیر خانہ ای بود کہ  
 در آن مولوی غلام رسول صاحب رحمتہ اللہ علیہ چله کشی و مجاہدہ می  
 فرمود۔ چون قحطی در قصور پدید آمد، بہ "حجرہ شاہ مقیم" رفت و آنجا  
 مقبولیت عامہ نصیب ایشان گردید۔ چون "ویدیان" حملہ بر "حجرہ شاہ  
 مقیم" نمودند و فتح یاب گردیدند، دو سید زاده و مولوی غلام رسول صاحب

رحمتہ اللہ علیہ را دستگیر کردند، ہر سہ نفر را محکوم بہ اعدام نمودند۔ سید زادگان گفتند: این نفر (مولوی غلام رسول) مولانا ست و قصوری ندارد۔ چون "ویدیان" این حرفها شنیلند، مولوی غلام رسول صاحب را رها نمودند۔ پس از این مولوی غلام رسول صاحب رحمتہ اللہ علیہ از "حجرہ شاہ مقیم" بہ "شرقیپور" مراجعت نمود و اینجا نیز مقبولیت عامہ نصیب ایشان گردید۔

## احوال میان محمد حسین صاحب

جلبزرگوار حضرت میان صاحب رحمتہ اللہ علیہ است و احوال ایشان پیدا نیست۔

## احوال میان عزیز الدین صاحب

پدر بزرگوار حضرت میان صاحب، میان عزیز الدین صاحب بود، درشکی و صورت کاملاً مشابہت بہ حضرت میان صاحب داشت۔ مردی نیک بخت و پارسا و متشرع بود و در سلسلہ عالیہ قادریہ بیعت داشت و ذکر و شغل در طریق قادریہ می نمود۔ در رھتک (ہند) مستخدم بود و ہمین جا راہی ملک عدم گشت۔

## فصل اول: در ولادت باسعادت

### حضرت میان شیر ربانی قدس سره

**خوشخبری:** روایتی ست که سده ای قبل بزرگی از کابل آمده جد بزرگوار حضرت میان شیر ربانی قدس سره العزیز را خوشخبری و مژده ولادت باسعادت و تولد حضرت مملوح داده بود و اسم مبارک حضرت صاحب نیز تجویز فرموده بود چون حضرت مولانا غلام رسول قصبه شرقپور رامسکن خود ساخت مثل خواجه ابوالحسن خرقانی رحمتہ اللہ علیہ که قبل از تولد و ولادت سلطان المارفین خواجه بایزید بسطامی رحمتہ اللہ علیہ چون در خرقان تشریف می برد دم های طولانی می کشید و می فرمود: "بوی آمد دوست می آید" همینطور حضرت بابا امیرالدین قبل از ولادت حضرت میان صاحب چون در شرقپور تشریف می آورد می فرمود: "خداوند مارا باکشف گفته است که درین بلاد پاک یک شیر خدا پیدا خواهدشد" چنانچه حضرت بابا امیرالدین رحمتہ اللہ علیہ در هر سال در شرقپور تشریف می آورد و رونق دیار محبوب رامی افزود.

**بشارت دیگر:** می گویند مجنوبی نیز سالهای قبل از ولادت حضرت میان شیر ربانی در اطراف واکناف شرقپور شریف طواف می کرد و چون مردم از او وجه و سبب این طواف می پرسیدند اومی گفت: "دراین کوچه مردی از مقبولان درگاه پروردگار اعلیٰ پیدا خواهدشد من از بوی مست کننده او روح را مسرور و دل و دماغ را معطر می سازم".

**روایت دیگر:** "میان عبدالرشید صاحب" مقیم "چونیاں" روایت می کند که "میان غلام محمد" گفت که "حضرت خواجه امیرالدین رحمتہ

اللہ علیہ" بذریعہ کشف آگاہ شد و فرمود کہ در "شرقیپور" شیر خدایی پیدا خواهد شد سپس از این کشف "حضرت خواجہ صاحب موصوف" می فرمود کہ ما از بیست سال بہ "شرقیپور" می رویم و در این جستجو می باشیم کہ آن طائر لاهوتی را بہ دام خود بیاوریم و نسبت نقشبندیہ باوبرسانیم۔

**قند مکرر:** "کرم شاہ صاحب" مقیم "بھویں کلاں" منطقہ حافظ آباد بہ صوفی محمد ابراہیم صاحب نامہ ای نوشت و دران گفت کہ ہشت سال قبل ما در "شرقیپور" رفتیم کسی سالخورده را بیرون شرقپور دیدیم از اوپر سیلیم کہ این احوال (مرتب) حضرت میاں صاحب از کی می باشد؟ درپا سخ گفت : قبل از ولادت ایشان! پرسیدیم چطور؟ گفت: درویشی (عارفی) اینجا آمدہ بود و اکثر و بیشتر درکوچہ پلہ بزرگوار حضرت میاں صاحب می گشت۔ او دم طولانی می کشید گویا کہ بوی خوش می شنید از اوپر سید نلکہ چرا اینطور می کنید؟ گفت کہ در این کوچہ روحی می آید کہ او بندہ مقبول درگاہ خداوند کریم می باشد از این درویش پرسیدیم کہ در کلام خانہ تولد خواهد شد گفت درخانہ میاں عزیزالدین صاحب۔

روزی حضرت میاں شیر محمد صاحب المعروف شیر زبانی بہ مؤلف خزینہ معرفت (صوفی محمد ابراہیم قصوری) فرمودکہ — "چون در ایام طفلی بودم جد بزرگوارم حضرت مولانا غلام رسول صاحب زبان خود را در دھانم دادہ بود۔" بقول صوفی محمد ابراہیم قصوری جد بزرگوار حضرت میاں صاحب بزرگی بابرکت بود و ہمین طور حضرت شاہ کمال کیتھلی رحمۃ اللہ علیہ زبان مبارک خود را دردھان حضرت مجدد الف ثانی قلم سرہ العزیز نہادہ بود و ایشان آنرا مکیدہ بود و نسبت قادری بہ ایشان عطا فرمودہ بود۔

صاحب خزینہ معرفت می نگارد: — چون نخستین یا دومین بار بہ شرقپور رفتہ بودم این خبری عام بود و بسیار کسان سالخورده می گفتند کہ

حضرت میاں صاحب ولی مادرزاد است۔ از ایشان نام دو تن یادم هست، یکی: میاں امام الدین مونگا، خدای تعالیٰ آمرزش کند، و دومی: حکیم امام الدین صاحب، خدا رحمتش کند۔ دیگر نیز از بزرگان بتواتر شنیدیم و این خبر مصلقی می باشد که حضرت میاں صاحب ولی مادرزاد بود۔

بالاخر در سال ۱۲۸۲ھ آن گل نوشگفته ورشک بهاران و قرار مضطرب و شکسته دلان به حکم خداوند قدوس درخانه حضرت میاں عزیز الدین پیدا شد۔ پدر بزرگوار حضرت میاں صاحب مردی باصفا و نیک و پارسا بود و مردم این ناحیه به او خیلی احترام می گذاشتند۔

چون تولد یافت حضرت مولانا غلام رسول که دران وقت زنده بود، حضرت میاں صاحب را در آغوش گرفت و محبت کرد و زبان مبارک خود در دهان حضرت میاں صاحب داد و حضرت میاں صاحب آنرا مکید۔ حضرت مولانا غلام رسول حضرت میاں صاحب را باسینه می گرفت و باربار می بوسید۔ بفرمان بزرگان خانواده و مطابق بشارت قبلی اسم مبارک حضرت میاں شیر ربانی را "شیر محمد" گذاشتند۔



## فصل دوم: در کودکی

### حضرت میاں شیر ربانی قدس سره

حضرت میاں شیر ربانی رحمتہ اللہ علیہ ولی مادرزاد بود و در کودکی از بازی کردن بیزار بود و خلوت را دوست می داشت و شینا و شیفته اسم گرامی "اللہ" بود و این اسم رب العالمین را از هر چیز جهان زیاد تر می پسندید و عزیز تر می داشت.

**حرفهای عارفه در کودکی:** روایتی ست که در پنج شش سالگی در قبرستان می رفت. چون والده ماجده می پرسید که کجا رفته بودی؟ حضرت صاحب می فرمود که برای ملاقات و زیارت بزرگان رفته بودم!

**حالت مستانه:** گاه بگاه در جوش عشق الہی اینطور دیوانه می شد که انگارہ ہارا در دہان خود می گناشت و این ہارا می خورد و گاہ دیگر چنہ جوشیدہ را با دہان می گرفتہ و فرمودہ کہ این

**چیزها نیز خداوند هستند.**

**فوق ذکر الہی:** می گویند کہ چون در مسجد تشریف می برد در گوشہ ای نشستہ "اللہ" "اللہ" می کرد چون در خطاطی معو می گشت اسم اعظم "اللہ" و اسم مبارک "محمد" را قلمبند می فرمود و با دوستان نشستہ و یکزیان شدہ در ذکر الہی مشغول می شد.

**روش عارفانہ در کودکی:** بگفتہ صاحب خزینہ معرفت: حال ایشان در طفلگی مث حضرت جنید بغدادی قدس سرہ بود کہ نہ ہمراہ طفلان بازی می نمود و نہ ہمراہ ایشان نشست و برخاست می داشت بلکہ خلوت را می پسندید چون در مکتب رفت مزاج ایشان بہ کودکان مناسبت نمی گرفت در سہ چہار سال قرآن مجید و دیگر کتب مروجہ مکتب را خواند و

درنگاشتن نیز مهارت حاصل نمود۔

**قند مکرر :** حکیم علی محمد صاحب' مقیم "بلوکی" از پدر بزرگوار

خود : حکیم پیر بخش روایت می کند که :- جد بزرگوار حضرت میان

صاحب رحمتہ اللہ علیہ' مولانا غلام رسول صاحب' ہرجزوی کہ از قرآن

مجید برای خواندن بہ حضرت میان صاحب' می داد' بکثرت اشک' ورق آن در

چندروز پوسیدہ می گشت و چون جد بزرگوار ایشان راجع بہ این می پرسید'

علاوہ از سکوت و گریہ جوابی نمی داد۔

**حیا :** میان امام الدین صاحب زرگر مقیم "شرقیپور" می گوید کہ "حضرت

میان صاحب" در هنگام کودکی چون از کوچہ می گنشت' روی سر و

صورت خود نقاب می داشت و زن های کوچہ می گفتند کہ :- "در

کوچہ ما دختری متولد شدہ کہ بر رو نقاب گرفتہ' راہ می رود"۔

**وجد در فکر الہی :** روایتی ست کہ در کودکی بعد از نماز عشاء

حضرت میان شیرربانی قدس سرہ ہمراہ محبان و دوستان بالای مسجد می رفت

و بانوق و شوق تمام در فکر الہی مشغول می گشت۔ و در حال فکر در

جنبہ و جوش می آمد کہ وجد بر او طاری می شد و ناگاہ از سقف مسجد بر

زمین می افتاد ○

**وارفتگی عجیب :** وگاہی در شب از شهر بیرون می رفت و در کنار

خیابان نشسته در فکر الہی معو می شد۔ چون حالت ایشان متغیر می گشت

و در بی قراری دوستی رابا سینه می گرفت و از سینه مبارک حضرت

صاحب' صدای "اللہ ہو" می شنیدند۔ "سبحان اللہ"۔ این حال در کودکی

داشت۔

## فصل سوم: در آموزش و پرورش حضرت میان شیربانی قدس سره

آغاز آموزش از آیات قرآن گشت: چون حضرت میان شیربانی قدس سره المیز قابس راه رفتن شد، از آیات قرآن مجید آغاز آموزش کرد کتاب ابتدائی (قاعده اول) را بزودی از بر نمود. زیر سرپرستی والده بزرگوار و عم مکرم حضرت میان حمید الدین قرآن مجید را ناظره ختم فرمود. عم مکرم حضرت صاحب را در مدرسه کودکان برد و نام ایشان ثبت کرد.

آموزش کلاس پنجم و کتب عربی و فارسی مروجه آن روزگار: می گویند حضرت صاحب در مدرسه خوش نبود. چون وقت مدرسه تمام می شد، حضرت صاحب سوی مسجد رخ می نمود و در مسجد رسیده و سرخم کرده در گوشه می نشست. در مدرسه تا کلاس پنجم ابتدائی آموزش و پرورش رسمی را اخذ نمود. چون مشیت رب کریم دیگر بود لذا از تعلیم مدرسه فارغ التحصیل شده در تعلیم کتب عربی و فارسی مروجه و متداوله آن روزگار مشغول گشت و بکوششهای جد بزرگوار حضرت حافظ محمد حسین رحمته الله علیه و عم مکرم حضرت حمید الدین رحمته الله علیه در راه آموزش و پرورش گام می زد و در روایتی ست که از عم بزرگوار خود کلام مجید و چند کتب فارسی آموخته بود و سپس نصاب مروجه از بزرگان دیگر مثل حکیم شیر علی که شاگرد رشید مولانا غلام رسول بود نیز درس می خواند.

بهره مندی از عرفان الهی: معروف است که چون حضرت میان شیربانی قدس سره سیپاره (جزی قرآن عظیم) می خواند، اشکها از چشم مبارکش روان می گشت و سیپاره از آب رسیدگی خسته می شد. چون جد بزرگوار سبب

اشک فشانی می پرسید، حضرت صاحب خاموشی اختیار می فرمود گویا بزبان حال می گفت که خداوند کریم مرا عرفان خود نصیب فرموده است و من در یاد الهی معو و مستغرق گشته گریان می شوم ○

**مهارت در فن خطاطی:** حضرت مولانا شیرربانی قدس سره فن خطاطی را از وراثت آباء و اجداد یافته بود لذا در خوشنویسی و خطاطی مهارت خاصه پیدا کرده بود و در خط های گوناگون مشق می فرمود در بیاض ها آیات قرآن و کلمات دیگر بالخصوص اسم اعظم "الله" (جل جلاله) و نام مبارک "محمد" (صلی الله علیه وسلم) را با خیلی قشنگی و زیبایی خطاطی می فرمود کاتبان و خوشنویسان ماهر این هارا دیده انگشت بدنان می گشتند در این فن نیز مقصود حضرت میان صاحب فقط حصول و وصول الی الله بود زیرا که فقط حمد و ثنای باری تعالی و نعمت رسول مقبول صلی الله علیه وسلم و اسمای نبوی را بانقش و نگار رقم و تحریر می فرمود و خط مبارک حضرت صاحب مظهره محبت الهی و عشق رسول مقبول بود.

## فصل چهارم: در عالم شباب

### حضرت میان شیرربانی قدس سره

حضرت شیرربانی محب صادق و عاشق حقیقی بود، در آغاز ورود به جهان در عشق الهی مستغرق گشته بود و چون حرف می زد، کلامش از عشق الهی مملو می بود و چون در مکتب می رفت، درسش یاد و ذکر الهی می بود ○ چون آغاز نگارش می نمود، دستش اسم الهی و نام گرامی "محمد مصطفی" صلی الله علیه وآله وسلم رقم می فرمود و چون همراه دوستان می نشست، اسم "الله" جل جلاله از زبان بلند می کرد و در خلوت و جلوت در ذکر الهی

مشغول می بود جوانی و عالم شباب حضرت صاحب نیز نمونه عالی ذکر و عبادت و یاد الهی می بود:

قیاس کن ز گستان من بهار مرا

**خلوت گزینی:** چون حضرت شیرربانی رحمته الله علیه از کودکی به حد جوانی وارد شد تاکنون نیز در قبرستان می رفت و در قبرهای شکسته و خراب شده می خوابید و کیف و لذت روحانی زیاد محسوس می کرد و در عالم آخرت مستغرق می گشت.

**حالت سکر:** حضرت میاں شیرربانی در عشق الهی این طور فنا گشته بود که چون صدای چرخ می شنید در وجد می آمد و حالت سکر بر ایشان غلبه می کرد و درین حال بر هر کسی که نگاه می فرمود او نیز در وجد می آمد.

**عربی در وجد آمد:** یک نفر عربی در مسجد حضرت شیرربانی رحمته الله علیه آمد چون حضرت میاں صاحب را دید گفت: "این مجنون است." حضرت میاں صاحب که همواره سرشار از می توحید می بود چون نگاه مخمور عرفانی سوی این عربی فرمود او در وجد آمد.

**شفقت باخلق خدا:** حضرت صاحب شبی به مادر بزرگواره خود فرمود که مرا سرد است مادر بزرگواره حضرت میاں صاحب را الحافی پوشانید بعد ازان فرمود: "مادر جان سرما تاکنون انیتم می دهد." مادر بزرگواره فرمود: "امروز شمارا چه است؟" فرمود که آیا مهمانی در خانه داریم؟ مادر بزرگواره فرمود: "آری!" حضرت فرمود: "آنان را رخت خواب و غیره داده اند؟" "چرا نه؟" مادر گفت حضرت صاحب فرمود: "همراه اش اسبی است؟" مادر گفت: "آری" همراه او اسبی ست که آن را بیرون بسته اند." حضرت صاحب فرمود: "مادر جان وقتی گه آن اسب از سرما محفوظ شد سرمای من نیز کم می شود." - سبحان الله

**یاری و کمک به مفلسان:** حضرت صاحبؒ چون کسی مفلس را می دید که احتیاج به جامه دارد از خانه جامه می آورد و او را می داد و چون می دید که کسی گرسنه است از خانه طعام می آورد و به او می خورانید۔

**تقوی کوشی:** میگویند درویشی بوبه نام فضل دینؒ که در مسجد حضرت میاں شیرربانی قلمس سره اقامت داشت مردی بود خیلی متقی و نیکد طعام از خانه مشتبه هرگز نمی خورد و بر کسانی که اعتماد کامل داشت که رزق ایشان حلال و طیب است از ایشان آرد می گرفت و بدست خود نان می پخت حضرت میاں صاحبؒ نان خود به او می داد و نانی که او می پخت آنرا تناول می فرمود۔

**دوست و مسکین پروری:** حضرت میاں شیرربانی قلمس سره خیلی دوست پرور و مسکین نواز بود اکثر و بیشتر از بازار و دکان ها چیزهای خورش و نوش می آورد و دوستان و مسکینان که احتیاج مند می بودند را مجانی می داد و این کار خیر تاحد می کرد که مقروض می گشت۔

**بشارت غیبی:** روزی پدر بزرگوارؒ حضرت میاں صاحبؒ وقت سعری بر اسبی سوار شده به کاری خود تشریف می برد که کسی لگام اسب او گرفت و گفت: "پسری را که شما دیوانه خیال می کنید و با او نا راحت می شوید روزی مرد اقبال مند و صاحب مرتبه ای خواهد گشت و نام او خیلی شهرت خواهد یافت مگر شما آن را نخواهید دید۔"

پدر بزرگوارؒ حضرت میاں صاحبؒ ازین بشارت غیبی از مستقبل و آینده روشن و شاندار پسرش آگاه شد و بعد ازین همواره با حضرت میاں صاحبؒ خیلی مهربان می بود و وامهای (که حضرت میاں صاحبؒ برای کمک و یاری دوستان و مسکینان و احتیاج مندان می گرفت) حضرت میاں صاحبؒ را ادا می نمود۔

**قبولیت دعا:** بگفته تذکره نگاران حضرت شیرربانی قلمس سره روزی در

هوای تابستان گرم بر سقف مسجد نشسته بود ناگاہ در حال سکر آمد و از سایه بلند شده در آفتاب رفته بر زمین دراز کشیده و از بان مبارکش می فرمود که باید ما از گرمای مولا کریم نیز لطف اندوز بشویم۔ بعد ازان از گرما و آفتاب عرقی از بدن مبارک حضرت صاحب چکیدن گرفت و حضرت صاحب ایستاده گشته نشست و نگاهش به آسمان کرده گفت : خداوندا اکنون باران بده و هوا را سرد بفرما که برای تو مشک نباشد! می گویند که همون وقت بر آسمان پاره ای ابر نمودار گشت و باران آمد حضرت میان صاحب قلس سره از سقف مسجد پائین آمد و بادوستانش نشسته گریه می کرد و استغفار می خواند و می فرمود: "نمی دانم که خداوند باران دادن می خواست یا نه؟ چرا من خواهش این کردم؟" تا روزهای زیاد همین کلمات تاسف آمیز بر زبان مبارکش جاری می بود و به عجز و انکسار خود اشکها می ریخت۔

**شہسوار بلند مرتبہ ای :** حضرت میان شیرربانی قلس سره از آغا زعمرش خیلی دوستدار سوار شدن بر اسب می بود۔ اسبی تند و تیز و بدخو چون در رکاب حضرت می آمد و حضرت صاحب لگام او گرفته بر آن سوار می گشت۔ آن اسب مطیع و فرمانبردار حضرت صاحب می شد۔ می گویند کہ برخی مردمان حضرت میان صاحب را "ملک الموت" اسبان می گفتند۔

باری مردم از ده دیگر بر موقع ازدواج عزیزی در شرقپور شریف آمدند و همراه ایشان اسبی بدخو بود۔ چون آنان داستا نہای شہسواری حضرت میان صاحب قلس سره شنیده بودند لذا برای آزمائش و امتحان حضرت صاحب اسب بدخوی خود را در حضور حضرت صاحب آوردند و گفتند کہ لطفاً بر این اسب سوار بشوید۔ حضرت میان صاحب فوراً بر اسب مذکورہ سوار گشت و اسبی کہ بہ بدمزاجی خود معروف بود و هرگز نمی گذاشت کہ کسی بزودی و بہ آسانی بر پشتش سوار شود، اصلاً نمی نکشید و از جای خود پائی نبرداشت و مطیع و فرمانبردار حضرت صاحب گشت و حضرت صاحب هر

جانبی که لگامش می کرد، آن طرف راه می رفتند چون مردم این کرامت حضرت صاحب دیدند، فوراً در عقیدتمندان حضرت صاحب شامل گشتند.

**اندازه اراده یا قوت:** قاضی ضیاء الدین لاهوری روایت می کند که مولوی یار محمد مرحوم فرمود که باری حضرت میاں صاحب بموضع "چونیاں" تشریف بردند. وقت برگشتن حضرت میاں صاحب، کسی اسبی برای سوار شدن حضرت میاں صاحب آورد و آن اسبی بود، بسیار تیز رفتار و زور آور، ولی حضرت میاں صاحب، این را در خاطر نیاورد و چون اسب نزد حضرت میاں صاحب آمد، حضرت میاں صاحب بر پشتش دست مالید و بر آن سوار گشت. اسب هیچ حرکتی ناشائسته نکرد و به آرام راه رفت. پس حضرت میاں صاحب از "چونیاں" جانی دیگر سفر کرد و گویا در حجره شاه مقیم تشریف برد.

## فصل پنجم: در بیعت مرشد تا عطا و خلافت

راه روان جاده عرفان و تصوف همواره می خواهند که هر نفسی ایشان در محبت و ذکر و عبادت الهی صرف گردد. لذا ایشان در عبادت و ریاضت معهود می شوند و در رهنمائی مرشدان کامل و مکمل این منازل و مراحل را با کمال صلق و صفا طی می کنند. ایشان می دانند که هیچ عبادت و ریاضت که خلاف سنت خیر الانام صلی الله علیه و آله وسلم باشد، مقبول نمی گردد:

خلاف پیمبر کسی راگزید که هرگز بمنزل نخواهد رسید

**شجره طریقت حضرت شیرربانی قدس سره:** حضرت میاں شیرربانی قدس سره چون از علوم ظاهری کسب و اخذ نصیب خود کرد، بردست مبارک حضرت بابا امیرالدین نقشبندی رحمته الله علیه (ساکن



کوئلہ پنجو بیگ) بیعت نمود کہ یکی از بزرگان و عارفان سلسلہ عالیہ نقشبندیہ مجددیہ بود۔ زنجیرہ و شجرہ طریقت حضرت میاں شیرربانی قرار زیر است:

حضرت میاں شیرربانی شیر محمد رحمۃ اللہ علیہ مرید حضرت خواجہ امیرالدین قلم سرہ (م ۹ ذیقعد ۱۳۳۱ھ کوئلہ پنچو بیگ بخش شیخوپورہ) و ایشان مرید حضرت خواجہ امام علی شاہ قلم سرہ (م ۱۳ اشوال ۱۲۸۲ھ) و نیز ایشان استفادہ از خواجہ صادق علی شاہ قلم سرہ فرزند و جانشین حضرت خواجہ امام علی شاہ قلم سرہ کردہ بود و حضرت خواجہ امام علی شاہ قلم سرہ (کہ مزار ایشان در رتڑ چہتر مکان شریف، نزد گورداس پور ہند واقع است) مرید حضرت خواجہ قاضی احمد دہائی قلم سرہ (م ۱۲۲۳ھ) کہ ساکن موضع قاضی گوٹہ احمد، علاقہ سند) و ایشان مرید حضرت خواجہ محمد زمان قلم سرہ (م ۳ ذیقعد ۱۱۸۸ھ، ساکن لواری شریف، بخش بدین، سند) و ایشان مرید حضرت خواجہ شیخ محمد تتوی قلم سرہ (م ۹ ذوالحجہ مکہ مکرمہ) مرید حضرت محمد حنیف پارسا قلم سرہ (م یکم صفر ۱۰۲۳ھ، بامیان از توابع کابل) و نیز از روحانیت حضرت خواجہ زکی قلم سرہ (م ۱۱۳۳ھ، کنگی لائٹی) استفادہ فرمود و حضرت خواجہ محمد حنیف پارسا قلم سرہ مرید حضرت خواجہ عبدالاحد قلم سرہ (م ۲۷ ذوالحجہ ۱۱۲۶ھ، سرحد شریف) کہ ایشان بیعت و مرید پدر بزرگوار خود حضرت خواجہ محمد سعید (م ۲۸ جمادی الثانی ۱۰۷۰ھ، سرحد شریف) و سپس از عم بزرگوار خود حضرت خواجہ محمد معصوم (م ۹ ربیع الاول ۱۰۷۹ھ، سرحد شریف) نیز استفادہ روحانی فرمودہ است و خواجہ محمد سعید قلم سرہ مرید حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرہندی قلم سرہ (م ۲۸ صفر ۱۰۳۳ھ، سرحد شریف) و ایشان مرید حضرت خواجہ محمد باقی باللہ قلم سرہ (م ۲۵ جمادی الثانی ۱۰۱۳ھ، دہلی شریف) و ایشان مرید حضرت خواجہ محمد انکنگی قلم سرہ (م ۲۲ شعبان اعظم) (۱۰۰۸ھ، موضع اکنہ نزد بخارا) و ایشان مرید حضرت مولانا محمد درویش

قلم سرہ (م ۲۹ محرم ۹۰۷ھ، استقرار مضافات ماوراء النہر) وایشان مرید حضرت مولانا زاہد  
 ولی قلم سرہ (م یکم ربیع الاول ۹۳۹ھ، موضع دوش) وایشان مرید حضرت خواجہ  
 عبداللہ احرار قلم سرہ (م ۲۹ ربیع الاول ۸۹۵ھ، سرتد) وایشان مرید حضرت مولانا  
 یعقوب چرخ قلم سرہ (م ۵ صفر ۸۵۱ھ، حلفتو) وایشان مرید حضرت خواجہ  
 علاء الدین عطار اقلیم سرہ (م ۲۰ رجب ۸۰۲ھ، موضع پنجانیان) وایشان مرید امام  
 الطریقت و الشریعت بانی سلسلہ نقشبندیہ حضرت خواجہ بہاء الدین  
 نقشبند قلم سرہ (م ۳ - ربیع الاول ۷۹۱ھ، قصر عارفان، بخارا) وایشان مرید حضرت  
 خواجہ امیر کلال قلم سرہ (م ۸ جمادی الاول ۷۷۲ھ، "سورخا" نزد بخارا) وایشان  
 مرید حضرت خواجہ بابا سماسی قلم سرہ (م ۱۰ جمادی الثانی ۷۵۵ھ، موضع "سما" نزد  
 بخارا) وایشان مرید حضرت خواجہ رامیتنی قلم سرہ (م ۲۸ ذی قعدہ ۷۲۱ھ، خوارزم  
 منطقہ بخارا) وایشان مرید حضرت خواجہ محمود انجیر مغنوی قلم سرہ (م ۷۱۵  
 ھ، انجیر قند) وایشان مرید حضرت خواجہ عارف ریوگری قلم سرہ (م یکم شوال ۶۱۶  
 ھ، "ریوگر" نزد بخارا) وایشان مرید حضرت خواجہ عبدالخالق غجدوانی قلم سرہ  
 (م ۱۳ ربیع الاول ۵۷۵ھ، نجد دان) وایشان مرید حضرت خواجہ یوسف ہمدانی  
 قلم سرہ (م ۲۷ رجب ۵۳۵ھ، مرو) وایشان مرید حضرت خواجہ ابو علی فارمدی  
 قلم سرہ (م ۳ ربیع الاول ۴۷۷ھ، طوس) وایشان مرید حضرت خواجہ ابوالحسن  
 خرقانی (م ۱۰ محرم ۴۲۵ھ، خرقان) وایشان مرید حضرت بایزید بسطامی قلم سرہ  
 (م ۱۳ شعبان ۲۶۱ھ، بسطام) وایشان مرید حضرت امام جعفر صادق قلم سرہ (م ۱۵  
 رجب ۱۳۸ھ، مدینہ منورہ) وایشان مرید حضرت امام قاسم بن محمد ابی بکر رضی  
 اللہ تعالیٰ عنہ (م ۱۳ جمادی الاول ۱۰۱ھ، مدائن) وایشان مرید حضرت سلمان فارسی  
 رضی اللہ تعالیٰ عنہ (م ۱۰ رجب ۲۳ھ، مدائن) وایشان مرید صلیق اکبر حضرت  
 ابوبکر صلیق رضی اللہ عنہ (م ۲۳ جمادی الثانی ۱۳ھ، مدینہ منورہ) وایشان مرید  
 سید المرسلین و خاتم النبیین و رحمۃ للعالمین سیدنا و شفیعنا و سلیمان فی  
 الدارین حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، وصال مبارک (۱۲)

ربیع الاول ۱۱۵۰ هـ، مدینه منوره) -

**در خلعت حضرت سعادت علی رحمتہ اللہ علیہ :** حضرت میان شیرربانی در عبادت و ریاضت مشغول می بود و جستجو می کرد که بیعت مرشدی بکند که کامل و مکمل باشد بزرگی از خانواده حضرت میان شیرربانی تعلق روحانی به "حجره شاه مقیم" داشت لذا در آغاز به "حجره شریف" در خلعت حضرت پیر سعادت علی سجاده نشین حجره شاه مقیم رفت حضرت پیر سعادت علی چون دانست که حضرت میان صاحب برای بیعت نمودن با ایشان آمده است فرمود: مرشدی بلند مرتبه و کاملی رابجو که ما از دستگیری عاجز آمده ایم.

**بیعت با حضرت بابا امیرالدین نقشبندی :** در آن روزها حضرت بابا امیرالدین نقشبندی قلم سره اکثر و بیشتر از "کوئله شریف" به "شرقیپور شریف" نزد جد بزرگوار حضرت میان شیرربانی تشریف می آورد و در خانه ایشان که قریب مسجد شرقپور بود اقامت می فرمود مدتی در شرقپور شریف قیام می کرد و بعداً به خانه خود در کوئله شریف برمی گشت.

حضرت بابا امیرالدین نقشبندی از عارفان بلند مرتبه و کامل مکمل سلسله عالیہ نقشبندیہ مجددیہ بود روزی باتصرف روحانی حضرت میان شیرربانی قلم سره را جانب خود کشید حضرت میان صاحب همون وقت بیعت ایشان کرد و در مریدان و عقیدت مندان ایشان شامش گشت حضرت بابا امیرالدین توجه خصوصی روحانی بر حضرت میان صاحب نمود و تلقین ذکر و وظائف سلسله عالیہ نقشبندیہ مجددیہ فرمود حضرت میان صاحب در حالت جنب و سکر آمد و بیخود شده گریبان چاک نموده در عالم بیقراری بر در مساجد می رفت و در ذکر الهی مشغول شده "اللہ اللہ" می فرمود و در بیابان ها می رفت و در ذکر و فکر و عبادت الهی و ریاضت های شاقه می نمود و مدت های زیاد در عالم سکر بود.

**طی منازل عرفانی :** همواره خلعت پیر و مرشد می کرد و در سهای روحانی که از پیر و مرشد می گرفت، آنها را اکاملاً در معمولات خود شامل می کرد لذا در وقت خیلی کم در ادای اشتغال سلسله نقشبندیه مجددیه کمال حاصل نمود لطایف شش گانه ادا فرمود و منزل سلطان الذکر طی نمود و مهارت خاصه در ذکر نفی و اثبات و طریقه یادداشت حاصل کرد و در اتباع سنت خیرالانام مستغرق شده منازل فنا فی الشیخ و فنا فی الرسول و فنا فی الله را طی نمود.

چون پیر و مرشد حضرت میاں شیر ربانی قلم سره را در معراج کمال دید، حضرت میاں صاحب را در حضور خود طلب فرمود و تحریر عطای خلافت به حضرت میاں صاحب پیش نمود. حضرت میاں صاحب عرض کرد: "حضرت من برای خلافت مرید نگشته بودم بلکه مقصودم این بود که از فیض و برکت بیعت شما بنده معبود حقیقی بشوم". حضرت بابا امیرالدین نقشبندی معذرت حضرت میاں صاحب را شرف قبولیت بخشید.

**کسب علوم ظاهری و نقلی از مرشد خود :** حضرت بابا امیرالدین قلم سره اکثر و بیشتر در شرقپور تشریف می آورد و حضرت میاں شیر ربانی قلم سره همواره شب و روز خلعت پیر و مرشد خود می کرد باری حضرت امیرالدین به مرید صادق خود حضرت میاں صاحب را فرمود که زیر سرپرستی من کتب سیر و سوانح انبیاء و عرفاء و طریقت و شریعت را مطالعه بکنید لذا حضرت میاں صاحب ارشاد فرمود و شیخ خود را تعمیل کرد و این طور کسب علوم ظاهری و نقلی را نیز بلا واسطه از مرشد کامل و مکمل خود اخذ نمود.

**عطای خرقه خلافت :** مرشد و شیخ مشفق و کامل بر حضرت میاں شیرربانی قلم سره خیلی لطف و شفقت و عنایت می فرمود چون "خلافت نامه" تحریر فرموده به حضرت میاں صاحب خرقه خلافت پوشانیدن

میخواست 'حضرت میان صاحب' خاموش می ماند یا معذرت می کرد روزی بر موقع مناسب به خلعت مرشد خود التماس نیز کرده بود که مخلوما من خودم را لائق و سزاوار این مرتبت نمی دانم و معذرت می خواهم.

دو و نیم سال همین طور گذشت. روزی حضرت بابا امیر الدین حضرت میان صاحب را طلب کرده فرمود: "اگر مرا مرشد خود خیال می کنید" گفته من را قبول کنید و مزید پس و پیش نکنید. اکنون وقت من قریب است و نوبت کار شما می آید لذا هر جائیکه می گویم آنجا بروید و خلعت مردم و خلعت خدا بکنید. در همین فلاح شماست و یقین بکنید که ازین فریضه و کار هیچ چیز افضل تر نباشد. هر چه دارید در تقسیم آن بغل نکنید و هر چه ندارید از خالق و پروردگار امید داشته باشید که شما را حتماً می دهد. هر چه طلب می کنید نصیب خود رومی یا بید و اکنون جای فرار برای شما نیست."

سپس حضرت بابا امیرالدین نقشبندی قلم سره بلمست مبارک خود خرجه خلافت به حضرت میان شیرربانی قلم سره را پوشانید و دستار روی سر مبارک ایشان بست. حضرت میان صاحب سند خلافت و دستار و خلعت خلافت را بسرو چشم فرسوده و دربارگاه خداوند سجده شکر بجا آورد.

**بنای خانقاه نقشبندیه در شرقپور شریف:** بعد از عطای خرجه خلافت حضرت بابا امیرالدین نقشبندی قلم سره حضرت میان شیرربانی قلم سره را فرمود که در شرقپور بروید و مردم را در راه حق رهنمائی بفرمائید. لذا حضرت میان صاحب از خانقاه پیر و مرشد به شرقپور شریف تشریف آورد و بر مسند ولایت متمکن گشت و در شرقپور شریف بنیاد خانقاهی از سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه نهاد و در رهبری و رهنمائی طالبان حق مشغول شد. در مدتی کم و قلیل شهره این خانقاه در همه منطقه و کشور معروف گشت و مردم از راه های دور شبه قاره پاک و هند به جانب این خانقاه می دویدند و

این سلسله تاکنون جاری ست.

**افتخار مرشد:** حضرت بابا امیرالدین قلم سره مرشد حضرت میان شیرربانی قلم سره می فرمود که اگر خداوند از من پرسید که از دنیا چه آورده اید؟ من "شیر محمد" (حضرت میان شیرربانی) را در حضور خداوند پیش خواهم کرد "سبحان الله".

## فصل هشتم: در مسافرت های روحانی

حضرت میان شیرربانی قلم سره همواره در شرقپور شریف می بود زیرا که مردم از راه های دور و دراز به شرقپور شریف می آمدند و معروف شده بود که خانقاه نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف از وجود مسعود حضرت میان شیر ربانی رحمته الله علیه نشان و وسیله مشک کشایی و غمگساری خلقت خدا می باشد. لذا حضرت میان صاحب خلی می به مسافرت می رفتند. مردم نمی گناشتند که حضرت صاحب از شرقپور شریف بیرون برود و حضرت میان شیرربانی قلم سره نیز با معمولات خویش خلی علاقه مند بود و همیشه در عبادت الهی مستغرق و در تبلیغ و آموزش طالبان حق و مریدان و عقیدتمندان خویش مشغول می بود.

باز هم با پابندی خاصه در "قصور" می رفت و سفر لاهور برای زیارت درگاه حضرت شیخ ابوالحسن علی هجویری معروف به "داتا گنج بخش" رحمته الله علیه و مسافرت به پیشاور برای زیارت مقبره حضرت شاه محمد غوث قادری معمول ایشان گشته بود و با آغا شاه سکندر قادری نیز ملاقات کرد. با حضرت خواجه محمد باقی بالله قلم سره و حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سر هنلی قلم سره عقیدت و محبت خاصه داشت لذا بارها به مسافرت های دهلی و سرهند شریف (هند) تشریف می برد. سفر های روحانی

پانی پت (هند) برای زیارت درگاه غوث علی شاه پانی پتی کرده بود و مسافرت روحانی کرنال (هند) نیز فرمود درمولتان برای زیارت درگاه حضرت خواجه بهاء الحق والدین زکریا مولتانی تشریف می برد و مسافرت به بریلی (هند) باملاقات کردن با اعلیٰ حضرت شاه احمد رضا خان بریلوی رحمتہ اللہ علیہ نیز کرده بود برای زیارت مزار حضرت قاضی احمد دمائی قلم سرہ در موضع قاضی گوٹھ احمد، منطقہ سند تشریف برده بود و در قصبہ بیر بل شریف (بخش سرگودھا) و قصبہ للہ شریف (بخش جہلم) نیز رفتہ است۔ دو بار مسافرت گولڑہ شریف (بخش راولپنڈی) کردہ بود و با حضرت پیر محمد علی شاه ملاقات روحانی فرمودہ بود۔

درخانہ های مریدان و اراد تمندان قیام کردن ہر گز پسند نمی فرمود۔ ارادتمندانی خیلی کم را شرف مہمان نوازی حضرت میان شیر محمد ربانی قلم سرہ نصیب گردیدہ است۔

## فیضان مبارک

## فصل اول در اتباع سنت

حضرت میاں شیرربانی قلمس سرہ پیکر اتباع سنت بود در هر قول و فعل پاسداری سنت رسول مقبول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم می کرد اگر کسی عملی خلاف سنت می نمود و حضرت میاں صاحب آن را می دید اظہار ناراحتی و ناگواری زیاد می فرمود در هر کاری و فعلی می خواست کہ سنت خیر الانام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم جاری و ساری باشد در نماز صفہارا بمطابق سنت با دست مبارکش درست و راست می فرمود در عبادت و ریاضت و گفتار و کردار و آداب و معاشرت و نشست و برخاست و وضع و قطع خویش ہموارہ سنت رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را دوست می داشت غرضیکہ در ہر لمحہ زندگانی خود تفسیر عملی آیہ کریمہ: "اطیعوا اللہ واطیعوا الرسول" می بود۔

چون کسی عملی خلاف سنت می کرد حضرت میاں صاحب آنرا بنظر حقارت می نگریست و عزت و احترام او ہرگز نمی کرد و اکثر و بیشتر می فرمود کہ اگر مسلمان عمل خلاف سنت و غیر مشروع را بیند باید مثل گرگ گرسنہ کہ بر بز حملہ آور می شود بر مخالف پیغمبر اکرم و تارک سنت بہ افتد۔

حضرت میاں شیرربانی قلمس سرہ در زندگانی مبارکش روح و معنویت اتباع سنت را تازہ نمود ہر کسی کہ در خدمت ایشان حاضر می گشت او را تاکیلمی فرمود کہ در اتباع سنت رحمت دو عالم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کو شان باشد کہ کامرانی دو جہاں در پیروی سنت می باشد حضرت



میان صاحب محب و عاشق صادق آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بود۔ اکثر در حال سکر می فرمود کہ ما از رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آگاہ هستیم و چون در حال صحو می آمد می فرمود: "بعد از خدا بزرگ توئی قصه مختصراً"۔

**شادروان (مولوی)** میان سر محمد شفیع برادر خاله زاد حضرت میان شیر ربانی قلم سره بود۔ باری حضرت میان صاحب پیش خاله خود به لاہور تشریف برد و بہ خاله خود فرمود: "خاله جان چه پسری مخنث زائیده اید کہ نہ ریش دارد و نہ سبیل! اگر امروز او ریش می داشت، چون در کونسل (کمیٹیہ) انگلیسیہ می نشست، چقدر قشنگ می بود و از شکر و صورتش چه رعب و دلبہ اسلام بردل انگلیسیہا نقش می گشت و انگلیسیہا می دانستند کہ مسلمان اینقدر بارعب و باوقار می باشند، مگر تاسف می خورم کہ او (میان محمد شفیع) عیسائی (نصرانی) گشته است (یعنی شکر و صورتش مثل مسلمانان ندارد)۔"

حضرت میان صاحب باری بہ سر محمد شفیع فرمود: "دلم نمی خواهد کہ اسم شما بر زبان رانم۔ اسم شما چقدر قشنگ است۔ رعایت اسم شما بکنید و بسگالید و بفهمید کہ صورت پدر شما چقدر عالی بود۔ امروز شما آن طور شکر و صورت ہارا دوست ندارید۔ درحقیقت این ہم خطای ہمون بزرگان ہست کہ شمارا در ولایت (لندن) فرستادہ اند۔ اگر ایشان شمارا آنجا نمی فرستادند، شکر و صورت شما ہرگز مسخ نمی شد"۔

روزی افسری از ادارہ قطار (ریلوے سپریشنٹنٹ) در خدمت حضرت میان شیرربانی قلم سره آمد کہ ریش و سبیل تراشیدہ و برسر کلاہ اداری و محکمانہ داشت۔ حضرت میان صاحب از او پرسید کہ شمارا چقدر حقوق (تنخواہ) می دهند؟ گفت: "ہزاریا یازدہ صد روپیہ!" حضرت میان صاحب لطمہ ای زور دار طوری بر رخسارش زد کہ کلاہ اش دور افتاد و سپس فرمود

کہ آیا این ہزار روپیہ شمارا از "منکر و نکیر" محفوظ خواهد داشت و "پلصراط" را بوسیله همین عبور خواهی کرد؟ و آیا وقت حساب و کتاب در محشر رشوہ دادہ در جنت خواهی رفت؟ آیا مسلمانی همین است؟ ہمہ فرزندان انگلیسیہا اند و در انگلستان فرزندان بدون پدر ہمین طور می باشند۔

این دنیا کافران مطلق اند

روز و شب در بق بق و در رق رق اند

این دنیا چہ کھین و چہ مھین

لعنت اللہ علیہم اجمعین

این دنیا چون سگ دیوانہ اند

دور شو زیشان کہ بس بیگانہ اند

باز فرمود :- "آقا پاسداری قانون خداوند چیزی ست" آنرا کسی ادامی کند

کہ خالق و مالک خویش را احترام بگزارد"۔ این افسرہ از بیان مبارک و

تنبیہ حضرت میان صاحب" خیلی متاثر گردید و در آیندہ حالت خود را

درست نمود۔

**فصل دوم: در ارشاد و تبلیغ دین:** اکثر عالمان در خدمت حضرت میان

شیرربانی قلم سرہ حاضر می گشتند۔ حضرت صاحب" از ایشان می پرسید

اکنون حال پاسداری شریعت چہ طور است؟ برخی می گفتند اکنون حال

پاسداری شرع خیلی خوب است! مردم نماز ہامی خوانند و روزہ ہامی گیرند۔

حضرت میان صاحب" می فرمود کہ وضع حقوق مردم چطور است؟ پدر

دشمن پسر و زن دشمن خاوند و ہمسایہ دشمن ہمسایہ می باشد! آیا ہمین

پاسداری شرع است؟۔ چشمہای مردم عالمان وازمی شد و ایشان در ہوش می

آمدند و می گفتند: آری، حضرت صاحب" مردم شرع و قرآن عظیم را پس پشت

گذاشته اند۔ باز حضرت میان صاحب" می پرسید: "آیا بیست سال قبل ازین"

حالت مردم ہمین بود؟" عرض می نمودند: "نہ، حضرت صاحب" قبل ازین در

مردم محبت و خلوص و همدردی بوده که الان اصلاً مفقود است۔ حضرت  
میان صاحب می فرمود که این همه اثر انگلیسیهاست (یعنی اثر حکمرانی و  
ثقافت نصاری بر مسلمانان می باشد)

**روش پند و اندرز :** روزی حضرت میان شیرربانی قلمس سره در "حجره  
شریف" تشریف برد۔ این ده پیر خانه بزرگان حضرت میان صاحب بود۔ دید  
که سجاده نشین خانقاه حجره شریف ریش تراشیده دارد و اهتمام اوقات نماز  
نیز ندارد و برای شکار و صید تفنگ و سگ و غیره داشته باشد۔ حضرت میان  
صاحب به او فرمود : این چه طرزی ست که شما اختیار نموده اید؟ آیا آبا و  
اجداد شما اینطور می کردند؟ یا این سنت رسول مقبول صلی اللہ علیہ وآلہ  
وسلم و طریقہ حضرت علی رضی اللہ تعالیٰ عنہ می باشد۔

جناب سجاده نشین چون این حرفهای حضرت میان صاحب شنید، خیلی  
شرمندہ گشت و زار و قطار گریستن آغاز کرد و گفت "من همه خلاف  
روش بزرگان خود کرده ام، الان توبہ می کنم و در آیندہ اینطور کار هانمی  
کنم و بردست شما توبہ می کنم"۔

**طرز اصلاح احوال مردم :** چون حضرت میان شیر ربانی قلمس سره کسی  
رامی دید که در او عیبی ست، او را بلا تردد مطلع می فرمود، حاکم بود یا  
محکوم و مسکین بود یا مالدار و مسافر بود یا هم شهری و رشته دار بود یا  
غیری، او را بهر طوری از عیبش آگاه می ساخت۔ مردم حرفهای حضرت میان  
صاحب را برضا و رغبت می شنیدند چراکه می دانستند که کسی که با  
ایشان نصیحت می فرمود او حضرت میان شیرربانی می بود که خودش نمونه  
کامل اتباع سنت مصطفیٰ علیہ الصلوٰۃ والسلام پیش می نمود۔

**علامہ اقبال لاهوری در حضور حضرت شیرربانی قلمس سره :**  
روایتی ست که باری علامہ اقبال لاهوری (شاعر مشرق و مفکر اسلام جهانی)  
برای زیارت حضرت میان صاحب به شرقپور شریف آمدہ بود۔ حضرت میان

صاحب قدم سره چون علامه اقبال را دید، فرمود که اقبال گاه بگاه می آید (یعنی هر روز نمی آید) و بعداً فرمود که حجام را بیارید که من ریش خود را بتراشم. این انداز و روش تبلیغ حضرت میاں صاحب بود که اقبال را احساس می داد که شما سنت مصطفی صلی الله علیه وسلم یعنی ریش ندارید. علامه اقبال اشاره حضرت میاں صاحب را فهمید و درک کرد و گفت که حضرت باید از گناه نفرت کرد نه که از گناهگار! ولی چون اقبال حرفهای حکمت آمیز حضرت میاں صاحب را شنیده همون وقت در چشمش اشکها روان گشت.

حضرت میاں صاحب شفقت و محبت زیاد به اقبال فرمود و توجه او رابه سوی امور شرعی نمود. میگویند که علامه اقبال تا مدتی زیاد نشسته گریان بوده و تاسف می خورده که او در آخر عمرش زیارت حضرت میاں صاحب نموده است. روایتی ست که علامه اقبال در مدح حضرت میاں صاحب قطعه گفت و در حضور حضرت صاحب آن را خواند ولی حضرت میاں صاحب حسب معمول از کسر نفسی خود آن قطعه (که در ستایش ایشان بود) را نه پسندید و سپس اقبال نیز آنرا از ذهنش فراموش کرد.

**ابر شفقت حضرت میاں صاحب:** ابر شفقت حضرت میاں شیرربانی مش باران می بارید و در حضور حضرت میاں صاحب فقط مسلمانان نمی آمدند بلکه مردم غیر مسلم نیز برای زیارت ایشان حاضر می گشتند. حضرت میاں صاحب با هر کس رفتار خوب و مساوی می کرد و در خانقاه ایشان همه کسان عزت و حرمت می یافتند.

باری شخصی که منهباً سیکه (سیک) بوده در خانقاه حضرت میاں صاحب حاضر گشت. گویا مردمان زیاد در خلعت حضرت صاحب موجود بودند. لذا این سیکه (سیک) در گوشه ای خاموش گشته نشست. مدتی سرش را خم کرده نشسته و سپس بلند شده و قریب حضرت میاں صاحب آمد.

و اجازه رفتن طلبیده گفتم: "حضرت صاحب' خداوند شما را اجر بدهد' کاری که از سالها درست نمی شد' اکنون در حضور شما درست شده است" گویا او را نوبت به عرض گزاری نیز نشد ولی دلش قرار یافت. "سبحان الله".

**سیکه مسلمان گشت:** باری حضرت میان شیرربانی قلمس سره در سرهند شریف (هند) برای زیارت مزار مقدس حضرت مجدد الف ثانی امام ربانی شیخ احمد فاروقی سرهندی قلمس سره می رفت. در راه بریک ایستگاه قطار حضرت صاحب' پیاده گشت که برای وضو آب بگیرد چون آب وضو گرفته حضرت میان صاحب' برگشت جوانی خوش وضع و صورت را در لباس ارتشی ملبوس در اطاق قطار ایستاده دید. حضرت میان صاحب' نگاه خاص به سوی این جوان فرموده به او خطاب نمود: "ای جوان آیا صورت شما مثل مسلمانان می باشد؟" جوانی که سیکه (سیک) بود' اصلاً توجه به جانب حضرت صاحب نکرد و با تنلی و ترشروئی گفت: "برو' ای بزرگ' کار خود بکن" گویا نمی دانست که حضرت میان صاحب' داشت کار خود را انجام می داد. قطار بوق زد و به راه رفت.

ناگاه همون جوان که سیکه بود' دویده در اطاق قطاری حضرت میان صاحب' وارد گشت و بر قدم مبارک ایشان افتاده' عرض گزار شد: "حضرت مرا مسلمان بسازید!" حضرت میان صاحب' با کمال محبت و شفقت او را به سینه خویش گرفت و فوراً مسلمانش کرد.

**انداز ارشاد و تبلیغ:** روش و طرز ارشاد و تبلیغ حضرت میان شیرربانی خیلی عمده و دلنشین و عالی بود و طرز گفتار ایشان شیرین و دلکش بود. ایشان خیلی نرم و سهل و ساده بصورت کلمات مسجع حرف می زد. سلاست و بلاغت حرفهای ایشان در حال خشمگینی نیز برقرار می بود. انداز گفتار اینقدر دلنشین بود که تاثیرش در رگ و ریشه شنونده باخ می گردید.

واقعات بیشمار سلف صالحین به حضرت صاحب را از بر بود و از آنها به مردم مثال می آورد و تلقین و هدایت می نمود چون مردم واقعات پرتاثیر و فکر انگیز صالحان و عارفان از زبان مبارک حضرت میاں صاحب می شنیدند گریان می شدند و خود حضرت میاں صاحب نیز همراه مردم شنونده گریان می شدند۔

حضرت میاں شیرربانی قلم سره مردم را می فرمود: سیکهان (سیکان) را به بینید که بر تعلیمات گرو خود چقدر عمل می کنند۔ نمی دانیم که ما مسلمانان چرا گرویده پیروی انگلیسیها شده ایم؟ ریش سیکهان (سیکان) را از مشاغل زندگی و آموزش و کاروبار دنیا و استخدام دولت هرگز مانع نمی شود و بر ایشان هیچ کس اعتراض نیز نمی کند و آنان از هیچ کس نمی ترسند ولی ما مسلمانان خواه موهای سر نداشته باشیم ریش مان را حتماً می تراشیم۔ آیا ما انگلیسیها را آگاه می سازیم که ما از دین اسلام تعلق خاصه نداریم؟

حضرت میاں شیرربانی قلم سره اکثر و بیشتر از مردم می پرسید که چند سال انگلیسی را خوانده اید؟ پاسخ می گفتند که دو سال و سه سال و پنج سال وغیره۔ حضرت میاں صاحب می فرمود که معنی "بسم الله" را بگویید۔ مرد مان زیاد جواب نمی دادند۔ این روزگار بود که آفتاب حکمرانی و اقبال انگلیسیها بر همه جهان می تابید۔ حضرت میاں صاحب کارمند تنظیم سیاسی و معاشرتی نبود و نه تعلق به تنظیمی داشت که علیه دولت انگلیس بود ولی بلاخوف علیه فرنگی و انگلیسیها حرف می زد و تهنیب آنان را مخالف اسلام می دانست۔ لذا مردم سحر و طلسم خورده جاه و جلال دولت انگلیس را از قید و غلامی آنان آزاد می ساخت و مرد مان را حوصله می داد که سر را بلند کرده زنده بمانند و از غلامی دولت و تهنیب انگلیسیها رها بشوند و در غلامی سرور کائنات و فخر موجودات حضرت محمد صلی

اللہ علیہ وسلم در آیند کہ ہمیں ذریعہ نجات و فلاح دو جهان می باشد۔  
 برخی مردم برای آزمودن پیش حضرت میاں شیرربانی قلمس سرہ می آملند و  
 چون صورت و سیرت ایشان را ملاحظہ می کردند در عقیدتمندان حضرت  
 صاحب شام گشته برمی گشتند شب و روز حضرت میاں صاحب مثل  
 کتابی روشن بودکہ مردم آنرا خوانند ہدایت می یافتند ہرکہ ساعتی یا  
 وقتی زیاد در حضور ایشان می نشست ہر چند مخالف ایشان می بود نمونہ  
 زندگانی ایشان را دیدہ در عقیدتمندان ایشان شام گشته معترف درجات بلند  
 و عالی ایشان می شد۔

**احترام مردم:** روزی یکی از مالداران نوکر خاک نشینی و عبادت گزاری  
 حضرت میاں شیرربانی قلمس سرہ راشنیلہ در خانقاہ ایشان حاضر شد۔ وقت  
 طعام خوردن بود۔ حضرت میاں صاحب از او پرسید: "ہمراہ شما کسی ست؟"  
 گفت: "آری نوکرم در پائین نشسته است۔" گویا حقارت برای نوکرش  
 کہ داشت از روش گفتارش عیاں بود۔ لذا حضرت میاں صاحب این مالدار را  
 بہ طرز عامیانہ طعام داد و خودش پائین رفت۔

حضرت میاں صاحب پائین رفتہ نوکر آن شخص مالدار را باخود بالا آورد و  
 پیش ہمہ مرد مان او را بطور خاص و باعزت و احترام نزد خویش نشانید و سپس  
 او را در طعام خوردن باخود شریک نمود۔ چون از طعام خوردن فارغ گشت  
 فرمود: "چہ ستم است کہ مردم متاع قلیل جہان (یعنی مال و دولت) را ذریعہ  
 عزت و حرمت خیال می کنند و این برای آخرت عذاب است ہر چہ مال کم  
 خواهد بود حساب (محشر) آسان خواهد شد۔"

**شفقت با مردگان:** باری در شرقپور شریف وبای طاعون پیداشد۔ شخصی  
 از مرض طاعون ہلاک گشت۔ مردم نزد میت اونمی رفتند۔ ہیچ کس برای  
 کفن و دفن این مرد آمادہ نمی شد۔ چون حضرت میاں شیرربانی قلمس سرہ ازین  
 چیز آگاہ گشت میاں محمد دین کہ یکی از عقیدتمندان حضرت صاحب

بود، او را همراه خود گرفته و در خانه آن شخصی مرده تشریف برد و مرده را بلمست خود غسل داد میان محمد دین آب بر بدن مرده می ریخت و حضرت صاحب او را می شست و عزیزان و رشتہ داران آن مرده دور ایستاده نظاره می کردند

حضرت میان شیرربانی قلمس سره میت را غسل داده کفن پوشانید و بر پیشانی مرده بوسه داد و بامردم خطاب فرمود: "الان بیایید" - مردم پیش آمدند و جنازه را بر برداشتند چون در گورستان رسیدند حضرت میان صاحب میت را بلمست خود در گور گذاشت و دفن نمود سبحان الله

**جنبه محبت عارفانه:** چون انسان در محبت حق مستغرق می گردد، او به همه کسان محبت می ورزد. بگفته صاحب خزینه معرفت: - چون حاجی جلال الدین صاحب ذیلدار، مقیم موضع "جوڑا" که مسلکاً اهل حلیث بود، از حج بیت الله پس آمد و کیفیت های سفر مدینه منوره و در حین زیارت روضه مقلسه نبی کریم صلی الله علیه وسلم که درک کرده بود، طوری بیان نمود که کسی نسبت دار از کاملان نقل می نماید. بر این موقع حضرت میان صاحب نیز در قصور تشریف آورده بود. مؤلف خزینه معرفت می گوید که بنده واقعه، جلال الدین صاحب موصوف در خدمت حضرت میان صاحب شرح دادم. فرمود: "باید در موضع "جوڑا" برویم! چنانچه صبح در موضع جوڑا رسیدیم و حضرت میان صاحب، با حاجی جلال الدین صاحب ملاقات نمود و از ایشان کیفیت های مدینه منوره شنید و در حین شنیدن حالات مدینه منوره بر طبع عالی حضرت میان صاحب جذب طاری می گشت. شب در همین ده بسر نمود حاجی صاحب موصوف بسیار تواضع و خاطر مدارات "حضرت میان صاحب" کرد

حاجی صاحب موصوف گاو میشی داشت، شیری که صبح داد، آن را در خدمت حضرت میان صاحب و همرا هیان ایشان تقدیم نمود و شیری که شبی



داد، آنرا خمیر کرد و ماست ساخت، چون صبح دیگر زوجه محترمه حاجی صاحب موصوف این ماست را مالید، از آن همین قدر کره (مکهن) گرفت که قبلاً از شیر دو وقت می گرفتند. این حقیقت را در خلعت شوهر خود (حاجی صاحب موصوف) ذکر نمود حاجی صاحب موصوف برای امتحان کردن کره (مکهن) را وزن نمود، واقعا همان قدر بود که قبلاً می بود. صاحب خزینه معرفت می گوید که حاجی صاحب موصوف بعداً نیز این تنکریه پیش بنده بارها کرد و باری در شرقپور تشریف برد و احوال حضرت میاں صاحب را دید و شادمان گشت و گفت "احوال که در اینجا دیده ام در جانی ندیده ام".

**تأثیر نگاه مبارک:** بگفته صوفی محمد ابراهیم قصوری صاحب باری حضرت میاں صاحب در فیروزپور تشریف برد در خانه ای که قیام فرمود، در آن یک حافظ قرآن که نابینا بود، در خلعت "حضرت میاں صاحب" رسید، "حضرت میاں صاحب" به این حافظ قرآن فرمود که رکوعی از قرآن مجید تلاوت کنید. حافظ صاحب موصوف یک رکوع قرآن کریم تلاوت کرد سپس این حافظ به صاحب خزینه معرفت گفت که: "من زبان عربی را نمی فهمم، ولی رکوعی که در خلعت حضرت میاں صاحب تلاوت نمودم، از برکت حضرت صاحب، معنی هر آیت را فهمیده ام."

**معیت با پیر خانه خود:** بعد از آن حضرت میاں صاحب به "فیروزپور چهاؤنی" تشریف برد و در خانه حافظ عبدالله قیام کرد. کسی گفت که اینجا حافظ قرآن نابینا می باشد که از پمنشینان حضرت امام علی صاحب است. چون حضرت میاں صاحب این شنید، در مسجلی که آن حافظ صاحب می بود، تشریف برد و یک ساعت آنجا اقامت فرمود. سپس فرمود که: "مراحتی نصیب گشت که گویا در خلعت حضرت اعلی صاحب نشسته

— ام"

این نیز گویا محبت باپیرخانه خود بود که کسی که از ہمنشینان شیخ و مرشد ایشان بود از صحبت او حظی می یافت۔

**فناى اتم (فناى کامل) :** باری در لاہور تشریف برد در دست عصایی داشت۔ چون در "شاه عالمی" رسید در جوش آمد و بر عصا فشار داده فرموده کہ این خانه هاکی فنا می شوند؟ سه بار به صدای بلند همین طور فرمود صاحب خزینہ معرفت می گوید کہ بنده را فکر نامنگیر شد کہ صاحب خانه ها پریشان گشته چیزی نگویند شکر است کہ کسی چیزی نگفت۔

**فراست صادق :** باری در قصور تشریف آورد از بازار می رفتند درجایی کودکان چند بازی می کردند۔ چون دید فرمود : این کودکان کہ بازی می کنند استعدادی در ایشان موجود است کہ اگر کوششی کرده شود ازین ها حفاظ قرآن کریم اولیای کرام و عالمان دین بیرون می آیند افسوس کہ استعداد ایشان رائیگان می گردد۔

سپس بزرگی را از تذکرة الاولیاء یاد فرمود و گفت : "این بزرگ چون کودکان را در بازی معومی دید همین طور تاسف می خورد"۔

چون قصور تشریف می آورد اکثر بوسیله ترین (ترین) شب می آمد و عقیدتمندان را می فرمود کہ تردد نان تازه نکنند در خانه های شما اکثر برای بچگان پاره پای نان می باشد ہرچہ خواه نان نصف باشد بیارید فرمود : من چون بہ لاہور می روم از بازار کلچہ ای (نانی) می خرم و همون برای همه روز برایم کافی می شود چون کم خورده قناعت کرده شود وقت می گذرد۔

## کشف و کرامات

کشف و کرامات از اولیای کرام و صوفیان عظام همواره ظاهر می گردد و این علامت و خاصه بزرگی و کرامت ایشان می باشد. از حضرت میان شیررسانی قلمس سره کشف و کرامات بیشمار ظهور یافت. ما اینجامشتی از خرواری برای تمثیل و نمونه نقل می کنیم.

از ماری که در دل بوده آگاه شد: شبی حضرت میان شیررسانی بر سقف مسجد در نماز نفل مشغول بود. کسی آمد و خواست که از چاه مسجد آب بگیرد. چون او دلو را در چاه انداخت، حضرت میان صاحب از سقف مسجد پائین تشریف آورد و از دور این کس را صدا داد که صبر کنید. سپس فرمود که اول از درون مسجد چراغ روشن را بیارید، باز دلو را از چاه بیرون آرید.

شخصی دیگر نیز صدای حضرت میان صاحب را شنیده در مسجد وارد گشت و دویده چراغ روشن را از مسجد بیرون آورد. حضرت میان صاحب فرمود: "اکنون دلو را بیرون آرید". چون دلو بیرون آوردند و بر زمین گذاشتند، حضرت میان صاحب چراغ را نزد دلو کرد. چون هر دو کس در نور چراغ در دلونگاه کردند، ترسیدند و پس کشیدند. در دلو ماری بود که آنان دیده بودند. هر دو نفر این مار را کشتند و سپس از حضرت میان صاحب پرسیدند که حضرت شما بر سقف مسجد بودید، چه طور فهمیدید که در دلو ماری است؟ حضرت صاحب تبسم نموده فرمود: "اوراکه می پرستیم، همون مارا ازین چیزها آگاه می سازد".

کرامت دیگر: باری در مسجد خود که تازه تعمیر گشته بود، حضرت

میاں شیرربانی قلمس سرہ تشریف فرما بود۔ بہ حاجی عبدالرحمن خطاب کردہ پرسید کہ چیزی دیدہ اید؟ او اینور و آنور نگاہ کردہ گفت: "نہ حضور۔ چیزی ندیدہ ام"۔ فرمود: "الان خواهی دید"۔

وقتی نگنشت کہ حاجی صاحب موصوف گفت: "حضرت صاحب الان دیدم" فرمود: "چہ؟" گفت: "اینکہ حضرت امام علی شاہ صاحب رحمۃ اللہ علیہ تشریف آورده اند"۔ سبحان اللہ۔

**کرامت دیگر:** روزی حضرت میاں شیرربانی قلمس سرہ فرمود کہ من بہ موضع "اثاری" می رفتم کہ در راہ طوفانی آمد۔ باران و برف باریدن آغاز نمود۔ چون طوفان خیلی شدت اختیار کرد، درختان از زمین بیرون آمدہ می افتادند۔ خیال کردم کہ از خیابان جدا شوم۔ الہام شد کہ بر خیابان بروید لنا درباران و برف و طوفان بر خیابان راہ می رفتم حتی کہ بہ امن و سلامتی در دہ "اثاری" رسیدم۔ مردم بر رسیدن من با امن و سلامتی حیران گشتند، زیرا کہ خیابان پر از درختان می بود کہ درین طوفان افتادہ بودند۔ سبحان اللہ خداوند بندگان خویش را از ہر بلا و مصیبت محفوظ و مامون می دارد۔

**نو مولودی خاموش گشت:** روایتی ست کہ در شرقپور شریف درخانہ ای نومولودی بود کہ ہموارہ گریلد می کرد۔ پدر و مادرش درمان این کردند ولی افاقہ اش نشد۔ چون ناچار گشتند در حضور حضرت میاں شیرربانی قلمس سرہ آوردند۔

نو مولود داشت می گریست، حضرت صاحب سوی او نگاہ کردہ فرمود: "اشکے ای اوئے سانوں تے رون دا ول اج تک نہیں آیا توں تے ہر وقت رونا این"۔ یعنی "ای پسرک تو عجیب ہستی کہ ما تاکنون طرز گریستن نیاموختیم و تو ہمہ وقت گریہ می کنی"۔ بس ہمین فرمود کہ نومولود خاموش گشت۔ وقتیکہ از روزی تولدش داشت گریہ می کرد۔

**احترام کشفی:** حضرت میاں شیرربانی قلمس سرہ سوال کسی را رد نمی

فرمود۔ حاجتمندی ازین حال آگاہ شد و برای کمک مالی نزد حضرت میان صاحب آمد و چون در شرقپور شریف وارد شد، خیال کرد کہ اگر خودم را پیش میان صاحب "سیدی" ظاہر خواہم کرد، حتماً ایشان توجہ زیاد برای کمکم خواہد کرد۔

لنا چون در حضور حضرت میان شیرربانی قلم سرہ آمد، گفت کہ: "حضرت سید ہستم و پیش شما آمدہ ام کہ کمک مالی من بفرمائید۔" حضرت میان صاحب کمک مالی او فرمود و حسب معمول ایشان برای خدا حافظی ہمراہ این حاجت مند تشریف برد۔ چون از شرقپور شریف بیرون شد، حضرت میان صاحب بہ او فرمود: "بشنو، ہمین جاست کہ در دل شما خیال "سید" شدن پیدا گردیدہ بود، لنا عزت و توقیر شما تاہمین جاست، الان پس می گردم۔"

خیر است یا نیست؟ : روایتی ست کہ باری کسی از حضرت میان شیرربانی قلم سرہ احوال پرسی کردو گفت: "میان صاحب خیر است؟" حضرت میان شیرربانی قلم سرہ فرمود: "برادر جان، اگر اعمال نامہ در دست راست دادہ شد، خیر است ورنہ نہ!!"

کسر نفسی و انکسار : معروف است کہ باوجود این رعب و جلال عالم کسر نفسی و انکسار حضرت میان صاحب این بودکہ ہرگز نمی پسندید کہ کسی بہ کفش مبارکش دست بزند۔ اگر کسی در عالم نادانستگی پاپوش مبارک حضرت را برداشتہ پیش ایشان می گذاشت، حضرت صاحب می فرمود کہ این کفش را شما ببرید، من لائق این نیستم کہ کسی پاپوشم را پیش من بگنارد۔ اگرچہ این کار برای بزرگان کردن روا است ولی من نہ بزرگ "ہستم و نہ ولی لنا برای من این طور نکنند۔"

اگر حضرت میان شیرربانی قلم سرہ بر رختخواب نشستہ می بود و کسی برای تعظیم پیش ایشان بر زمین می نشست، حضرت صاحب اورا بر

رختخواب نشستن مجبور می کرد و اگر آن کس از 'به برابر حضرت صاحب'  
 نشستن می ترسید، حضرت صاحب همراه او بر زمین می نشست و آن کس  
 شرمندگشته بر رختخواب می نشست.

## سفر دار بقا و جانشین

چون عمر مبارک حضرت میان شیرربانی شصت و سه سال شد، ضعف پیری ظاهر گشت. باز هم نماز پنجگانه باجماعت ادا می فرمود. بعلت ضعف فقط خطبه جمعه می داد و امامت نماز جمعه می فرمود. هر روز در ضعف جسمانی اضافه می شد حتی که مریض گشت.

عزیزان و عقیدتمندان حضرت میان صاحب ایشان را برای درمانش به سری نگر (کشمیر مقبوضه) بردند. بعد از چهار روز حضرت میان صاحب فرمود که مرا خانه ببرید. لذا حضرت میان صاحب را از سری نگر براه راولپنڈی در لاهور آور دند و اینجا علاج و معالجه جاری شد.

اگرچه در دوز های بیماری معمولات حضرت میان صاحب متفرق گشته بود ولی در عبادت و یاد الهی هیچ کمی واقع نگردیده بود.

روزی از همین روزها حضرت میان شیرربانی برادر خود حضرت میان غلام الله قلم سره را صدا فرمود و آنوقت حضرت نورالحسن شاه و بابا عبدالله فیروزپوری در خدمت اقدس حضرت میان شیرربانی قلم سره موجود بودند. پیش ایشان حضرت میان صاحب به برادر خرد خویش فرمود: مرد مانیکه بر خانقاه و درگاه من می آیند، در خدمت ایشان کوتاهی نکنید و اقامت نماز جمعه خود شما کنید. بدانید که صراط مستقیم فقط در اتباع سنت نبوی (صلی الله علیه وآله وسلم) ست.

سپس در خانه خود تشریف برد. با همه عزیزان و افراد خانواده شفقت و محبت ورزید و سلام گفت و خدا حافظی نمود و فرمود: "اکنون می خواهم که در "ٹوہیراں والا" (نام گورستانی که در آن حضرت صاحب مدفون

گشت) بروم!"

گویا این اظهار به اشاره غیبی بود که "من رفتنی ام بسوی خداوند بزرگ و بعد از من عقیدتمندان و مریدانم را حضرت غلام الله قدس سره در طی منازل عرفان و سلوک کمک و یاری و رہنمائی خواهد کرد و وی جانشین و خلیفه مجاز من خواهد بود۔"

بالاخر روز دو شنبه ۳ ربیع الاول در سال ۱۳۳۷ هـ بمطابق ۲۰ - اوت ۱۹۲۸ م در حین تلاوت سوره اخلاص بعد از نماز عشاء، قریب یازده و نیم شب، به عمر مبارک شصت و پنج سالگی، این آفتاب روحانی از عالم فانی به عالم جاودانی رحلت فرمود و واصل بحق گشت۔ "انا لله و انا الیه راجعون"۔  
خدا رحمت کند این عاشقان پاک طینت را

**قطعه تاریخ رحلت حضرت میاں شیرربانی قدس سره**

چو مولانای قبله شرقپوری

ز دنیا شد روان با کام و آرام

"وصال شیر حق شیر محمد" (۱۳۳۷ هـ) شله سال و صالحش ای نکونام

روز دیگر بوقت ساعت شش شام جنازه حضرت میاں شیر محمد شیرربانی

قدس سره در گورستان "دوهران والا" رسید و حضرت صاحبزاده مظهر قیوم

رحمتہ الله علیہ امامت نماز جنازه ایشان کرد و در حضور هزاران سوگوار و

عقیدتمند، حضرت شیرربانی را در گورستان "دوهران والا" دفن کردند و مزار

مقدس و بابرکت و پر انوار ایشان ہمین جا مرجع الخلائق است۔

**جانشین حضرت میاں شیرربانی شرقپوری:** حضرت میاں شیرربانی

قدس سره، برادر خرد ایشان حضرت میاں غلام الله قدس سره گشت که

ملقب به "حضرت ثانی لاثانی" شد۔



## خدمات دین

### فصل اول در تعمیر مساجد

حضرت میاں شیر محمد شیرربانی شرقپوری قلمس سره برای اتباع سنت و فروغ دین اسلام خدمات بیمثال و یگانه ای انجام دادو در تعمیر نمودن مساجد برای عقیدتمندان نمونه قابل تقلید و پیروی باقی گذاشت و نه فقط مساجد نو تعمیر فرمود بلکه مساجد قدیم را از سر نو تعمیر و مرمت فرمود و بمطابق سنت انبیا علیهم الصلوٰۃ والسلام در کارهای تعمیراتی و مرمتی مساجد بنفس نفیس شرکت فرمود و مثل مزدوران کارمی کرد و با این عمل مبارکش فوق و شوق خاصه به عقیدتمندان و مریدان خود عطا کرده است که نظیر آن یافته نمی شود. مساجد یکی در روزگار حضرت میاں شیرربانی تعمیر گشت قرار زیر اند:-

(۱) در "محلہ بنی پورہ شرقپور شریف" مسجلی بود کہ در روزگار حضرت میاں صاحب از آن فقط نشانی بود و آن نیز غیر محفوظ بود. حضرت میاں صاحب این مسجد را با خطوط قدیم از سر نو تعمیر فرمود و در نزد این خانه ای برای پیش امام نیز تعمیر ساخت و نزد آن چاهی کند و غسلخانه و طهارت خانه ها نیز بنا فرمود.

بگفته صاحب خزینہ معرفت: "حضرت میاں صاحب قلمس سره در تعمیر این مسجد خود سهم بود و ستون های مسجد را با همکاری مردمان به کار می گذاشت. اینجا شجری را از زمین کنیلند و حضرت میاں صاحب در چاله که از کندن این شجر پیدا شده بود، تشریف برد و خاک از آنجا برداشت و آنرا بوئید و فرمود کہ:- "در این بوی انگلیسی می آید".

(۲) مسجدی دیگر در گورستان ٹوهران والہ " تعمیر فرمود کہ ازین قبرستان در جنوب مغرب شرقپور واقع است۔ این مسجد دارای دو اطاق و یک چاه و غسلخانه ها و حجره و برآمدہ می باشد۔ برای آباد کردن این مسجد درویشی را آنجا گذاشت کہ بگفته صاحب خزینہ معرفت تاکنون آنجا موجود است و این درویش در راه مسجد گز و بوته کاشته است و خلعتی خوب خانہ خدا می کند۔ در وقت تعمیر مسجد معلوم می شد کہ گویا نزد قبر مبارک خود این مسجد ساخته است و بعداً " همین طور شد کہ پس از وفات همین جاملفون گشت۔ روز های کہ این مسجد را تعمیر می فرمود ' عقیدتمندان و مریدان می گفتند کہ حضرت این جای ست غیر آباد و ویران و هیچ کس اینجا نمی آید ' لذا اینقدر مسجد عالیشان تعمیر کردن چه فائدہ دارد فرمود : " هیچ ' چون مردی خداوند خواهد مرد ' این مسجد آباد خواهد شد۔"

چون حضرت میان شیرربانی قلمس سرہ رحلت بحق فرمود و در همین گورستان نزد مسجد محو استراحت گشت از همون روز نماز پنجگانه در این مسجد شروع شد و تاکنون ارادتمندان حضرت میان صاحب شب و روز درین مسجد در عبادت و ریاضت مشغول باشند۔

(۳) مسجدی دیگر در محلہ شیرربانی در شرقپور تعمیر نمودکہ در طرز خاص و عملہ تعمیر شدہ بود۔

(۴) مسجدی دیگر در پیرخانہ خود (در قریہ کوئلہ شریف) تعمیر کردہ بود این مسجد دارای سه اطاق و ایوانی وسیع می باشد۔

(۵) مسجدی نیز در چاه خود تعمیر فرمودہ بود۔

(۶) مسجدی دیگر در کوچہ "دھل پورہ" کہ جانب راست شرقپور

شریف می باشد ' ساخته بود و این مسجدی کوچک ہمراہ تاچاهی

(۷) مسجدی ست در میانہ شہر شرقپور شریف کہ در روزگار حضرت

میان شیرربانی قلنس سره همین بزرگترین مسجد بود درین مسجد حضرت مولانا غلام رسول رحمتہ اللہ علیہ کہ جد بزرگوار حضرت میان صاحب بود امامت می کرد چون در عهد حضرت میان صاحب مردم از راه های دور و دراز در شرقپور شریف می آمدند لذا روز جمعہ این مسجد برای مردم تنگ می شد حضرت میان صاحب عزم وسیع نمودن این مسجد کردو خانه های چند کہ نزد این مسجد بود را در (۱۳۳۰ هـ) شامل مسجد فرمود و صحن و مسجد راکشاده نمود و برخی حجره و اطاقهای تازه نیز تعمیر فرمود کہ تاکنون درہمین صورت موجود اند و در آن روزگار مبلغ (۲۵) ہزار روپیہ بر تعمیر حجره و غسلخانہ و جای وضو و طہارت خانہ های تازه و اضافی مصرف شد۔

(۸) علاوہ ازین درمکان شریف روضہ مبارک حضرت امام علی صاحب رحمتہ اللہ علیہ را مرمت نمود باری درمکان شریف تشریف آورد و دید کہ قبہ روضہ مبارک حضرت امام علی صاحب در زلزله آسیب دیدہ است برای مرمت این قبہ عزم فرمود و حافظ محمد عبداللہ صاحب مقیم چھاؤنی فیروزپور و کرم الدین نجار صاحب مقیم شرقپور شریف و فتح محمد خان مقیم گورو ہرسہای و نفری دیگر را برای مرمت این روضہ مبارک فرستاد و تقریباً ہزار و سہ صد روپیہ برای این مرمت مصرف شد۔

(۹) نشستگاہی درمکان شریف ساختند کہ آن دو اطاق و ایوان خوب داشت و نشستگاہی دیگر ساختن می خواستند کہ تکمیل آن نشد۔

مساجدیکہ حضرت میان شیرربانی قلنس سرہ در روزگار خود تعمیر فرمود در آن ہا ہیچ سامان ولو ازم تعمیراتی ساختہ دست انگلیسی ہا و یا درکارخانہ انگلیسی ہا را ہرگز استعمال نکرد و اگر کسی این طور چیزی را می آورد حضرت صاحب ناراحت می گشت و آن را قبول نمی فرمود و ازین معلوم می شود کہ مقام تقوی حضرت میان صاحب چقدر بلندبود؟

حضرت میان شیرربانی سلسلہ تعمیر مساجد را کہ شروع فرمودہ بود

تاکنون جاری و ساری ست و آن صورت تحریر کی اختیار نموده است۔ مریدان و عقیدتمندان حضرت میاں صاحب ہموارہ برای سهم گرفتن در این کار خیر مشتاق و بیتاب می باشند۔ بعد از وصال مبارک حضرت میاں صاحب خلیفہ مجاز ایشان حضرت ثانی لاثانی میاں غلام اللہ قلم سرہ نیز در تعمیر مساجد سهم می گرفتند و سجاده نشین فعلی آستانہ عالیہ نقشبندیہ مجددیہ شرقپور شریف حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی این روش عالی مرشدان بلند مرتبہ خود را تاکنون زندہ و تابندہ دارد و مساجد تعمیر می فرماید و فریضہ تبلیغ و نشر اسلام انجام می دہد۔ مساجدیکہ در شہر های گوناگون پاکستان بہ نام نامی حضرت میاں شیر محمد شیرربانی قلم سرہ منسوب شدہ تعمیر گشتہ است و شب و روز برای احیا و نشر اسلام و شریعت مطہرہ در آنها کلمہ حق بلند می گردد، قرار زیر است:

- ۱۔ جامع مسجد شیرربانی، محلہ شیرربانی، شرقپور شریف۔
- ۲۔ جامع مسجد ملینہ شیرربانی، عقب سول ہسپتال، شرقپور شریف۔
- ۳۔ جامع مسجد شیرربانی، اکبر روڈ، وسن پورہ، لاہور۔
- ۴۔ جامع مسجد شیرربانی، سنگھ پورہ، نزد باغبانپورہ، لاہور۔
- ۵۔ جامع مسجد قادریہ شیرربانی، ۲۱۔ ایکڑ سکیم، نیو مزنگ، سمن آباد، لاہور۔
- ۶۔ جامع مسجد شیرربانی، سانده کلاں، لاہور۔
- ۷۔ جامع مسجد غوثیہ شیرربانی، چونگی امرسلہو، لاہور۔
- ۸۔ جامع مسجد شیرربانی، شاہدرہ ٹاؤن، لاہور۔
- ۹۔ جامع مسجد شیرربانی، گیلڈی نزد کھرڑیانوالہ، ضلع فیصل آباد۔
- ۱۰۔ جامع مسجد شیرربانی، محلہ منیر آباد، گلزار کالونی، فیصل آباد۔
- ۱۱۔ جامع مسجد شیرربانی، سلطان ٹاؤن، فیصل آباد۔
- ۱۲۔ جامع مسجد شیرربانی، چک نمبر ۲۳۰، ضلع وہاڑی۔

۱۳ - جامع مسجد شیرربانی، فیصل آباد۔

۱۴ - جامع مسجد شیرربانی، نزد چونگی نمبر ۹ خانیوال روڈ، ملتان۔

۱۵ - جامع مسجد شیرربانی، گرہ کوڑا، تحصیل ٹانک، ضلع ڈیرہ

اسماعیل خان۔

۱۶ - جامع مسجد شیرربانی، پھالیہ، ضلع گجرات۔

۱۷ - جامع مسجد شیرربانی، ۹ چک نزد لیاقت پور، ضلع رحیم یار

خان۔

۱۸ - جامع مسجد شیرربانی، ۸ چک، تحصیل یزمان، نزد اڈہ تیرہ

ہزاری۔

۱۹ - جامع مسجد شیرربانی، گیائیں گجرات، ضلع کوٹلی، آزاد

کشمیر۔

۲۰ - جامع مسجد شیرربانی، سیکٹر ایف۔ ۹، اسلام آباد۔

۲۱ - جامع مسجد شیرربانی، الامین پلازہ، صدر، راولپنڈی۔

۲۲ - جامع مسجد شیرربانی، عقب گورا قبرستان، نزد ملٹری ہسپتال

(سی ایم ایچ) راولپنڈی۔

۲۳ - جامع مسجد شیرربانی، قلعہ سوجان سنگھ، نزد خانقاہ ڈوگران،

ضلع شیخوپورہ۔

۲۴ - جامع مسجد شیرربانی، جہبڑ، ضلع شیخوپورہ۔

۲۵ - جامع مسجد شیرربانی، محلہ رسول پور، شیخوپورہ۔

۲۶ - جامع مسجد شیرربانی، اڈہ شیر پاک، صادق آباد۔

۲۷ - جامع مسجد شیرربانی، سمندری، ضلع فیصل آباد۔

## فصل دوم: در نشر و اشاعت دین و معارف اسلامی بصورت کتب

حضرت میاں شیرربانی قلم سره عارف کامل بود که بازبان و گفتار مبارک خود دل مردم را مسخر می نمود. علاوه از خطابت جمعته المبارک که در مسجد خود می فرمود، همواره در سفر و حضر تبلیغ و ارشاد به طالبان حق می فرمود. علاوه ازین کتب نادره معارف اسلامی و سلسله عالیہ نقشبندیہ مجلدیہ وغیره چاپ و نشر می کرد و میان ارادتمندان و طالبان حق و مردم خواننده مجانی تقسیم می فرمود. از آنها چند تا قرار زیر اند:-

### ۱- مرآة المحققین : ملفوظات حاجی الحرمین الشریفین :

تالیف حضرت ابوالبرکات امام علی شاه نقشبندی مکان شریفی (م ۱۲۸۲ هـ) بزبان فارسی، در احوال و تعلیمات و گفتار حضرت سید شاه حسین نقشبندی (م ۱۲۳۳ هـ) که مرشد حضرت امام علی شاه نقشبندی رحمتہ اللہ علیہ بود. بخواہش حضرت میاں شیرربانی قلم سره مولوی غلام رسول نقشبندی این کتاب را بزبان اردو ترجمہ کرد و حضرت میاں صاحب این را طبع فرمود. سرورق این کتاب (دو صفحہ در آغاز) بدست خود خطاطی فرمود و این نمونہ عالی خوشنویسی حضرت میاں صاحب می باشد. در آغاز این کتاب نظمی از مترجم می بود که از ترتیب حروف های آغاز هر بیتش نامی گرامی حضرت میاں صاحب: "مولوی شیر محمد" بر می آید. این کتاب در دو حصہ می باشد. حصہ اول- حالات حضرت شاه حسین المعروف "بہورے والا" و در حصہ دوم "کلمات متبرکہ" زیر عنوان "مرآة المحققین" درج است. از جانب مطبع کریمی، لاہور باہتمام میر امیر بخش چاپ گردیدہ است.

### ۲- "منہاج السلوک" ترجمہ اردو "ذخیرة الملوک": "ذخیرة

الملوک" بزبان فارسی نگارش "امیر کبیر سید علی ہمدانی" می باشد " مولوی غلام قادر" از مردم "کوٹ بھوانی" کہ از متوسلین "حضرت اللہ بخش تونسوی رحمۃ اللہ علیہ" بود، بحیثیت مدرس در شرقپور شریف آمد و ارادت و عقیدت خاصہ بہ حضرت میاں صاحب قلم سرہ العزیز پیدا کرد۔ او این کتاب را بفرمائش حضرت میاں صاحب بزبان اردو ترجمہ نمود و این در سال (۱۳۳۳ھ) چاپ گردید۔ این کتاب دارای (۳۱۲) صفحات بود و در آغاز این مترجم دو منظومہ شامی کرد کہ اگر نخستین حرف ہر بیت بیرون آورده شود، از آن "مولوی شیر محمد شرقپوری" جمع می شود۔ مترجم این کار کردہ زیرا کہ حضرت میراں صاحب قلم سرہ نمی پسندید کہ اسم ایشان در کتاب منکور گردد۔

بگفتہ محمد امین شرقپوری صاحب "تذکرہ اولیای نقشبند" این کتاب را مولوی غلام رسول نقشبندی رحمۃ اللہ علیہ بفرمان حضرت میاں صاحب قلم سرہ العزیز بزبان اردو ترجمہ کرد و در ضخامت قریب (۳۲۵) صفحات طبع گردید و در آغازش دو نظم از مترجم است کہ از ترتیب حرف آغاز ہریتی نام گرامی حضرت میاں شیرربانی برمی آید۔

۳ - "مجالس المحسنین" ترجمہ اردو "حکایات الصالحین" : کتاب اصل بزبان عربی بود و ترجمہ اردوی آن مشتمل بر ۹۰۰ صفحات است کہ حضرت میاں شیرربانی قلم سرہ العزیز آن را طبع فرمود و خوشنویسی این کتاب "سید نورالحسن شاہ صاحب" کردہ بود۔

۴ - "ربع مع مطالب" : تالیف "حضرت بابا امیر الدین نقشبندی قلم سرہ" (مرشد پاک حضرت میاں صاحب) این را نیز حضرت میاں صاحب طبع فرمود۔

۵ - "چشمہ فیض معرفت" : رسالہ ای ست مختصر بزبان پنجابی از حضرت خواجہ بابا امیرالدین نقشبندی" کہ در مناقب مرشد خود "حضرت

خواجہ امام علی شاہ قلم سرہ" سرودہ است۔

۶۔ تفسیر مرادیہ: فقط حصہ آخرین این ہمراہ "ربع مطالب" طبع شدہ بود و درین علاوہ از "تفسیر قرآن" ارشادات حضرت میاں شیرربانی قلم سرہ نیز درج است۔

علاوہ ازین حضرت میاں شیرربانی قلم سرہ کتاب های تفسیر و حدیث و فقہ و اوراد و وظایف وغیرہ می خرید و میان طالبان حق و ارادہ تمننان خویش مجانی تقسیم می فرمود و این عمل خاصہ اولیای کرام سلسلہ عالیہ نقشبندیہ مجددیہ می باشد کہ ایشان هموارہ بوسیله تحریر و تقریر یعنی در ہر دو میدان خدمات عالیہ دین اسلام انجام می دهند۔ این کار از خواجہ بزرگ ما حضرت خواجہ بہاء الدین نقشبند قلم سرہ شروع شد و تاکنون درمہ عالم در خانقاہ های این سلسلہ پاک جاری و ساری ست۔

در شرقپور شریف شمع علم دین و عرفان و تصوف کہ از دست مبارک حضرت شیرربانی قلم سرہ روشن گردیدہ بود، آن را خلفاء باصفا و باکمال ایشان هموارہ سر بلند می کردہ اند۔

سجادہ نشین آستانہ عالیہ نقشبندیہ مجددیہ شرقپور شریف حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری، مدظلہ العالی در نشر و اشاعت و چاپ کتاب عزم عالی و بلند دارد۔ ایشان هموارہ کتب عرفانی و معارف اسلامی چاپ و نشر می کنند و در طالبان حق و ارادتمندان سلسلہ نقشبندیہ و تشنگان علم و دانش مجانی تقسیم می فرمایند۔ تاکنون کتابهای زیر از "مکتبہ نور اسلام" شرقپور شریف (کہ بنیاد آن حضرت میاں جمیل احمد صاحب مدظلہ العالی گذاشتہ است) چاپ و نشر گردیدہ است:

۱۔ خزینہ معرفت (اردو): تصنیف صوفی محمد ابراہیم نقشبندی۔ در احوال و آثار و فرمودات حضرت میاں شیرربانی قلم سرہ چند بار چاپ شدہ است۔



۲ - حضرت مجدد اور ان کے ناقلین اردو : تصنیف حضرت مولانا ابوالحسن زید فاروقی رحمۃ اللہ علیہ در احوال و مقامات حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرہنلی قلس سرہ و رد ناقلین ایشان بار اول درہند چاپ شدہ بود۔

۳ - المنتخبات من المکتوبات (عربی) : مرتبہ حسین حلمی الیشیق بن سعید استانبولی۔ بار اول در استانبول از سوی مکتبہ اشیق چاپ گردیدہ بود۔

۴ - سرہند شریف : (تلخیص از کتابچہ المنتخبات من المکتوبات)

۵ - تتمہ معارج النبوة (فارسی) : حضرت ملا معین الدین واعظ کاشفی مروی۔

۶ - دی نقشبندیز (بزبان انگلیسی) : مرتبہ سردار علی احمد خان۔

۷ - مرآة المحققین (اردو) : تالیف قطب عالم حضرت سید امام علی شاہ نقشبندی مکان شریفی رحمۃ اللہ علیہ مترجم اردو : مولوی غلام رسول

۸ - نعتیہ قصیدہ : حضرت امام اعظم ابو حنیفہ رحمۃ اللہ علیہ۔

۹ - تائید اہل سنت : (متن و ترجمہ اردوی رسالہ رد روافض تصنیف حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرہنلی قلس سرہ) مترجم و مصحح (متن فارسی) : داکتر غلام مصطفی خان نقشبندی سنلی۔ مدظلہ۔

۱۰ - مختصر حالات حضرت شیرربانی و حضرت ثانی لاثانی میاں غلام اللہ شرقپوری (اردو) : تصنیف حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری۔ مدظلہ العالی۔

۱۱ - فضائل حضرت عائشہ صدیقہ رضی اللہ تعالیٰ عنہا (اردو) : از مولانا منصب علی شرقپوری۔

۱۲ - منیتہ المصلی :

۱۳ - نظام مصطفیٰ اور ہماری زندگی : نظام مصطفیٰ و زندگی ما

بزبان اردو)۔

۱۳ - ماہنامہ نوراسلام (اردو) : مجلہ ماہیانہ کہ بیادگار حضرت ثانی لاثانی شہباز مکانی میان غلام اللہ شرقپوری قلم سرہ سجاده نشین شیرربانی میان شیر محمد شرقپوری قلم سرہ از سی و ہشت سال از آستان عالیہ شرقپور شریف جاری ست و مدیر این حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپوری۔  
مدظلہ العالی است۔

۱۵ - ماہنامہ نوراسلام شرقپور شریف کا شیرربانی (اردو) نمبر : مرتبہ حضرت صاحب میان جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی (شمارہ مخصوص مجلہ نوراسلام در احوال و مقامات حضرت شیرربانی قلم سرہ)

۱۶ - ماہنامہ نور اسلام کا امام اعظم نمبر (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپوری مدظلہ العالی (شمارہ مخصوص مجلہ نوراسلام در احوال و مناقب حضرت امام اعظم ابو حنیفہ رحمۃ اللہ علیہ)

۱۷ - ماہنامہ نوراسلام کا اولیائے نقشبند نمبر (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپوری۔ مدظلہ العالی (شمارہ مخصوص مجلہ نوراسلام در احوال و آثار و مناقب اولیای نقشبند)

۱۸ - ماہنامہ نوراسلام کا مجدد الف ثانی (اردو) نمبر : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپوری۔ مدظلہ العالی (شمارہ مخصوص مجلہ نوراسلام در احوال و مناقب حضرت مجدد الف ثانی قلم سرہ)۔

۱۹ - فضائل حضرت سیدنا صدیق اکبر رضی اللہ تعالیٰ عنہ (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپوری۔ مدظلہ العالی۔

۲۰ - مختصر حالات امام ربانی مجدد الف ثانی رحمۃ اللہ علیہ (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد شرقپوری۔ مدظلہ العالی۔

۲۱ - ارشادات مجدد (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میان جمیل احمد

شرقیور مدظلہ العالی۔

۲۲ - مسلک مجدد (اردو - پشتو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں

جمیل احمد شرقیور مدظلہ العالی۔

۲۳ - مقالات یوم مجدد (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل

احمد شرقیور مدظلہ العالی۔

۲۴ - الجنبۃ الشوقیہ الی الحضرة المجددیہ : مرتبہ حضرت

صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقیور مدظلہ العالی۔

۲۵ - مدنی تاجدار کا تحفہ نماز (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ

میاں جمیل احمد شرقیور مدظلہ العالی۔

۲۶ - مناسک حج (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد

شرقیور مدظلہ العالی۔

۲۷ - صدائے حق (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد

شرقیور مدظلہ العالی۔

۲۸ - تنویر حرم (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد

شرقیور مدظلہ العالی۔

۲۹ - آسان (اردو - عربی گرائمر) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل

احمد شرقیور مدظلہ العالی۔

۳۰ - لمحہ فکریہ (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد

شرقیور مدظلہ العالی۔

۳۱ - شجرہ شریف (اردو) : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد

شرقیور مدظلہ العالی۔

۳۲ - تذکرہ احوال و مقامات زبیدۃ الاولیا شیرربانی حضرت

شیر محمد شرقیوری قدس سرہ (فارسی) : تالیف محمد نذیر رانجہا۔

## ابیات دلگداز کہ حضرت شیرربانی

### قدس سرہ می خواند

حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ شاعر نبود ولی در عالم وجد بر زبان مبارک ایشان ابیاتی جاری می شد کہ هر حرفی از آنها در عشق سرور کائنات فخر موجودات خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم لبریز می بوده است۔ حضرت میاں صاحب را خیلی ابیات عرفانی و نعت رسول مقبول علیہ الصلوٰۃ والسلام از دیوان های سخنوران عارف زبان فارسی و اردو و پنجابی از بر بود کہ وقت ارشاد و تبلیغ و مواقع گوناگون می خواند۔ مابرای نمونه مشتی از خرواری اینجا نقل می کنیم :-

همه انبیا در پناه تواند

مقیم در بارگاہ تواند

تو مهر منیری همه اختر اند

تو سلطان ملکی همه چاکر اند

❖

خدایا بده شوق ذات رسول

بدرد محمد مرا کن قبول

شب و روز در عشق حضرت بنار

همه عمر در وصل احمد گزار

چو بلب بر آن گل فدایم کنی

چو پروانه جلوه نمایم کنی

حیاتی مماتی همه وقت ما

عطا کن وصال محمد مرا

— ❖ —

حمد محمودی که در جمله صور

شد بانوار محمد جلوه گر

زانکه از نورش محمد شد عیان

گشت از نور محمد دو جهان

— ❖ —

حسن یوسف دم عیسیٰ یلبیضا داری

آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

دل و جانم فدایت یا محمد

سر من خاکپایت یا محمد

— ❖ —

عرش است کمین پایه ز ایوان محمد

جبرئیل امین خادم دربان محمد

آن ذات خداوندی که مخفی و نهان بود

پیدا و نهان گشته بچشمان محمد

— ❖ —

منم خاک سرکوی محمد

اسیر حلقه موی محمد

نماز عشق مردم می گزارم

به پیش قبله روی محمد

سجود عشق بازان است مردم

بمحراب دو ابروی محمد

اگر چشم بهر روی است ماث

بود روی دلم سوی محمد

جهان در خیال لیلۃ القدر

حسن در بند گیسوی محمد

صد کتاب و صد ورق در نارکن

جان و دل را جانب دلار کن



Marfat.com

## ملفوظات گرامی

حضرت میان شیرربانی قدس سره در محبت الهی و عشق مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم کاملاً مستغرق بود کلماتی که از زبان مبارک ایشان جاری می شد آنها همواره آئینه دار جذبات و احساسات ایشان می بود. حرفی از زبان مبارک بیرون نمی آورد که بر آن خودشان عمل نمی فرمود. هر چه بدیگران می فرمود خودشان بر آن کاملاً عمل می کرد. مابینجا برای تبرک از ملفوظات گرامی ایشان چند تانقل می کنیم:-

**فرمود :-** دنیا مثل دریاست و آخرت کفاره آن و تقوی

کشتی آن باشد و بدون تقوی این دریا را عبور کردن محال

است. خوبی اسلام این است که مسلمان حرفهای "لایعنی"

(بی فائده) را ترک کند. همه خلقت دارای سه صفات

باشد:

۱- فرشتگان عقل دارند مگر خواهش و غضب ندارند.

۲- حیوان خواهش و غضب دارند ولی از عقل عاری اند.

۳- انسان خواهش و غضب و عقل هر سه دارد. اگر انسان

خواهش و غضب را تابع عقل کند، درجه بلند از فرشتگان

می یابد. ولی چون عقل را تابع خواهش و غضب می کند،

از حیوان بدتر می شود. انسان طلبگار لذت حیوانی و

خواهش نفسانی باشد ولی بقدر احتیاج مثل نمک در

طعام و تا وقتیکه شما کارهای بهتر نکنید، زندگی را

بهتر خیال نکنید.

**فرمود : -**

بدبخت آن باشد که فکر آخرت نداشته باشد و مبتلای لذت‌های دنیا می‌باشد. دولتی را جمع کنید که همراه شما (در آخرت) برود زیرا که مال و متاع دنیا با بدن در دنیا خواهد ماند (یعنی فنا خواهد گردد). چون مرده را ببینید، مرگ خود را یاد کنید (یعنی فکر آخرت کنید) و شریر آن است که شرکند و مفسدان را اذیت دهد و هر که از طعام سیر می‌شود او همواره گرسنه می‌ماند.

**فرمود : -**

هر که با مال تونگر شود، او همیشه درویش باشد و هر که از مردم حاجت می‌طلبد، او محروم می‌ماند و هر که در کار خود از خداوند یاری نمی‌خواهد او خوار می‌گردد.

**فرمود : -**

کسی که در جوانی قدر و عظمت فرمان خداوند نمی‌داند، خداوند در پیری اش، او را خوار می‌سازد و کسی که فقط روزی را با صلیق دل در خلعت (خداوند) صرف می‌کند، برکت آن روز به همه خلعت می‌رسد. پس چه حال کسی خواهد بود که همه عمر در خلعت (خداوند) می‌گزارد.

**فرمود : -**

شش نفر بسبب شش چیز در جهنم خواهند رسید:

۱- مردمان عرب بسبب تعصب و عداوت.

۲- مالداران ده به علت تکبر.

۳- تاجر بسبب فریب کاری.

۴- مردم عامه به علت جهل و نادانی.



۵ - حاکم به وجه ظلم و ستم -

۶ - عالم به وجه حسد ' زیرا که حسد نیکی هارا می سوزاند و هیچ کس مددگار حاسد نمی باشد -

**فرمود :** -

باید که پاکی ظاهر ' موافق پاکی باطن باشد یعنی چون دست را شوید ' دل را از حب دنیا نیز پاک کند و چون استنجا کنند از نجاست ظاهری پاک گردد ' همون وقت از دوستی غیر نجات یابد -

**فرمود :** -

حماقت این است که اعتقاد دارد و عمل نکند و کفر پنهان این باشد که خیال کند که این سخن اینطور نیست بلکه بر چیزی دیگر خواهد بود -

**فرمود :** -

حضرت علی مرتضی اسد الله الغالب مطلوب کس مطالب مظهر المعائب و الفرائب کرم الله وجهه چنان سخنان حکمت آموز بیان فرمود که تا آنجا فهم کسی رسائی نیافته است -

**فرمود :** -

کسی که در حرفش نرمی باشد ' در قلبش ماده محبت حتما " خواهد بود و کسی که قدر نفس خود را فهمیده است او هرگز هلاک نگردد -

**فرمود :** -

از هر که خواهی طلب کن ولی یقین این داشته باش که تودر قید او (خداوند) هستی ' تو هر گرا خواهی داد ' امیر و حاکم او خواهی شد - تو از هر که خواهی استغنا و بی نیازی کن ' انجام کار مش او خواهی شد -

**فرمود :** -

هر کس که بنیاد ایمانش بر این چهار اصول باشد ' ایمانش محکم و قوی شود و او مسلمان خالص شده

مقرب خاص بارگاه صمدانی و درگاه یزدانی می شود. این  
چهار اصول قرار زیر است :-

(۱) تصدیق دل

(۲) اقرار زبان

(۳) عمل بدن

(۴) مطابقت سنت

کسی که از این چهار اصول محروم باشد، او کافر است و کسی که با  
زبان اقرار کند و بادل تصدیق نکند، او منافق است و حال منافق از کافر بدتر  
باشد. کسی که بادل تصدیق کند و با زبان نیز اقرار کند مگر عمل نکند  
او فاسق است و فاسق براندازه قصورش در دوزخ خواهد رفت، کم از کم  
ساعتی و تا حد زیاد هفتاد سال. کسی که بادل تصدیق کند و با زبان اقرار  
کند و عمل نیز نکند مگر در مطابقت سنت تغافل کند او بدعتی است و  
بدعتیان سگهای جهنم خواهند بود.

**فرمود :** - در حدیث شریف آمده است که مسلمانان

بعد از اجتناب کردن از کفر، باید چشم و گوش و شکم  
و شرمگاه و دست و پا و دل و زبان را از گناههای صغیره و  
کبیره باز دارند.

**فرمود :** - خصلتی بد را ترک نمودن از عبادت صد ساله

افضل تر باشد.

**فرمود :** - اگر در ما سه خصلت باشد، خداوند ما را در

حساب و کتاب آسانی خواهد داد و در جنت داخل خواهد  
کرد و آن چهار خصلت به قرار زیر است :-

(۱) کسی که شمارا نهد، شما او را بپسندید و او را محروم

نگذارید.

(۲) کسی که بر شما ظلم کند، شما او را درگذر و

معاف کنید.

(۳) عزیزی و رشته داری که باشما قطع تعلق کند، شما با

او ملاقات داشته باشید و قطع تعلق با او نکنید.

**فرمود : -**

ارشاد حضور نبی کریم صلی الله علیه وآله

وسلم است که بزودی روزگاری خواهد آمد که فقط از

اسلام و قرآن نام باقی خواهد ماند و مساجد را مسلمانان آباد

خواهند کرد مگر در حقیقت اینها از هدایت خالی

خواهند بود و عالمان آن روزگار شریر ترین افراد روی زمین

خواهند بود و آغاز فتنه و فساد از سوی ایشان خواهد شد و

اختتام این بر ایشان خواهد شد.

**فرمود : -**

در حدیث حضور صلی الله علیه وآله وسلم

آمده است که بزودی روزگاری خواهد آمد که مردم در

دامهای شکم گرفتار خواهند شد. بزرگی ایشان در دنیا از

لحاظ دولت خواهد بود و قبله ایشان زنان خواهند بود و

مطلوب ایشان سیم و زر خواهد بود و این کسان در بندگان

خداوند از همه بزرگ ترین (خیال کرده) خواهند بود، در

حالیکه نزد خداوند وقعتی نخواهند داشت و این

روزگاری خواهد بود که مردم دین را تمام خواهند کرد و

اجرای بدعتها خواهند کرد کسی که در این وقت بر

سنت من عمل خواهد کرد، او بیچاره تنها خواهد ماند و

کسی که پیروی بدعت خواهد کرد، مصاحبانش از

پنجاه، شصت زیاد تر خواهد داشت. صحابه کرام رضوان

الله علیهم اجمعین عرض نمودند: "یا رسول الله صلی الله

علیه وآله وسلم ' آیا بعد از ماکسی از ما افضل تر خواهد بود" - حضور صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: "بلی" صحابه کرام التماس کردند که یارسول الله این مرد مان چطور زندگی خواهند کرد. آنحضرت فرمود: طوری که نمک در آب حل می شود، اینطور دلهای ایشان حل خواهند شد و زندگانی ایشان طوری خواهد بود که جامه های سرکه در سرکه بصر می برند" - سپس صحابه کرام عرض نمودند: "یارسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آن مرد مان حفاظت دین چطور خواهند کرد؟" - آنحضرت فرمود: "طوری که شما حفاظت آتشدان می کنید که اگر بگذارید، آن سرد می شود و اگر آن را دست زنید، بسوزاند" -

**فرمود: -** حضرت ابن عمر رضی الله عنهما فرمود که اگر شما نماز خواننده مثل کمان خمدر شوید و روزه دارنده مانند تیر لاغر شوید، خداوند عملهای شما را قبول نخواهد کرد تا از حرام باز نه مانید.

**فرمود: -** نیز حضرت ابن عباس رضی الله تعالی عنهم فرمود که خداوند نماز او هرگز قبول نمی کند که در شکمش حرام باشد.

**فرمود: -** نیز حضرت سهل تستری فرمود که بنده در عمق ایمان نمی رسد تا وقتی که چهارخو در او پیدا نشود:-

(۱) ادائیگی فرضها (باستن)

(۲) خوردن حلال (با پرهیز)

(۳) ظاهر و باطن را از منکرات محفوظ داشتن

(۴) بر این امور تا مرگ قائم بودن.

**فرمود :** -

آمله است که هر که چهار روز مال مشبه بخورد، دلش سیاه می گردد و بگفته حضرت عبدالله بن مبارک رحمته الله که درمی مشبه را باز گرد ایندن نزد من از یک تاشش میلیون درم خیرات کردن بهتر است، فرمود که چون کسی از مال مشبه لقمه ای بخورد، ازین قلبش اینقدر مثل چرم خراب می شود که بعالت اصلی هرگز بر نمی گردد.

## واردات قلبی

پاره ای از واردات قلبی حضرت شیرربانی میان شیر محمد شرقپوری قدس سره را ملاحظه بفرمائید :-

باری فرمود که چون راه می روم از پائین تا بالا در بد نم حرکتی پیدا می گردد که همه بد نم را مثل دل می بینم و از هر موی بدنم اسم ذات الهی ظاهر می شود۔

باری فرمود که چون در کودکی در قصور می آمدم در بازار و کوچه های این برکتی می دیدم و اکنون که اینجا می آیم تا ران نحوست می بینم ولی سه کس از این نحوست محفوظ اند : یکی عبدالحق شاه صاحب ساکن کوٹ مردان و دومی حافظ دولت خان ساکن نواں کوٹ و نامی دیگر آورد۔ روزی فرمود که ما برای قضای حاجت در بیابان رفتیم و بعد از فراغت چون نگاه کردیم بسبب عبرت نوعی از حال بر ما طاری گشت۔

باری فرمود که من در "مسجد شاهی لاهور" رفتم آنجا طوری دیدم که خانه کعبه پیش من آمده است و من طواف آن می کنم۔

روزی حجام موهای (سر) حضرت میان شیرربانی قدس سره را می تراشید۔ حضرت صاحب فرمود که چون حجام استره را بر بد نم می زد اینطور معلوم می گشت که بر دلم استره می زنند۔

حضرت نورالحسن شاه نقشبندی رحمتہ اللہ علیہ (که از خلفای عظام حضرت میان شیرربانی قدس سره است) می فرمود که باری حضرت شیرربانی قدس سره ارشاد فرمود که از رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم چهار کس را طریقه ای که عنایت گشته است بکسی دیگر نصیب نگردیده

است و آن چهار نفر این اند :-

- (۱) نخستین حضرت اویس قرنی رضی اللہ تعالیٰ عنہ
- (۲) دوم حضرت خواجه بایزید بسطامی رحمۃ اللہ علیہ
- (۳) سوم حضرت خواجه ابوالحسن خرقانی رحمۃ اللہ علیہ
- (۴) چهارم..... برنام چهارم خاموش گشت، زیرا کہ حضرت صاحب  
(حضرت شیرربانی قلمس سرہ) ستایش خود شنیدن نمی پسندید لذا اسم خود را  
اینجا بر زبان مبارک نہ آورد

## خلفاءِ عظام

حضرت میاں شیر محمد شیرربانی قلم سرہ مدتی زیاد ترویج و پیشرفت سلسلہ عالیہ نقشبندیہ مجددیہ در آستانہ عالیہ شرقپور شریف فرمود و ہزاران طالب حق راتلقین و ارشاد کردہ از فیوض و برکات این سلسلہ پاک مستفید فرمود۔ حضرات کرام زیر را در سلسلہ عالیہ نقشبندیہ مجددیہ خرقة خلافت عطا فرمودہ و بعد از ایشان خدمات عالی برای دین اسلام و سلسلہ عالیہ نقشبندیہ مجددیہ انجام دادند :-

- ۱- حضرت ثانی لا ثانی شہباز لامکانی میاں غلام اللہ شرقپوری  
: حضرت میاں شیرربانی قلم سرہ ایشان را در آخر زندگی مبارک خود جانشین خویش منتخب فرمود و ایشان از سال وصال حضرت میاں شیرربانی قلم سرہ (۱۳۳۷ھ) تا سال (۱۳۷۷ھ) (سال وصال خود) برمسند سجادگی و ارشاد آستانہ عالیہ نقشبندیہ مجددیہ شرقپور جلوہ افروز ہوئے است۔
- ۲- مخزن کرم حضرت سید محمد اسماعیل شاہ رحمۃ اللہ علیہ : ساکن موضع کرموں والا تحصیل فیروزپور ضلع شیخوپورہ۔
- ۳- : پیکر نور حضرت سید نور الحسن شاہ رحمۃ اللہ علیہ : ساکن موضع کیلیانوالہ
- ۴- فاضل اجل حضرت صاحبزادہ حافظ محمد عمر رحمۃ اللہ علیہ : ساکن بیریں شریف، ضلع سرگودھا۔
- ۵- مظهر انوار حضرت صاحبزادہ مظهر قیوم رحمۃ اللہ علیہ : ساکن مکان شریف، نزد گورداس پور (ہند)
- ۶- ابر رحمت حضرت میاں رحمت علی رحمۃ اللہ علیہ :



ساکن موضع گھنگ والا شریف 'نزد کاٹھنہ کاجھا'

۷۔ الحاج حافظ حضرت سید محمد ابراہیم شاہ بخاری رحمته

اللہ علیہ: ساکن موضع سہول شریف 'نزد ریلوی اسٹیشن کالا خطائی'

تمت بالغیر

**فقیر محمد نذیر رانجھا**

غفر ذنوبہ و ستر عیوبہ

۱۱ ذی الحجہ ۱۳۱۳ھ بمطابق ۲۳ - ۱۹۹۳ میلادی

## ماخذ

- ۱- **تذکرہ اولیای نقشبند المعروف** : سیرت پاک شیرربانی عاشق یزدانی مجلد عصر 'قطب زمانہ حضرت میاں شیر محمد صاحب شرقپوری' مؤلف محمد امین شرقپوری' ناشر : عبدالوحید خان' ذوالحجہ ۱۴۰۸ھ / ژوئیہ ۱۹۸۸م۔
- ۲- **تذکرہ حضرت سید میر جان کابلی نقشبندی مجددی** : از شادروان میاں اخلاق احمد' ناشر : میاں احمد بدر اخلاق' لاہور' ۱۹۸۸م
- ۳- **خزینہ معرفت** : از صوفی محمد ابراہیم قصوری نقشبندی مجددی' ناشر : فیصل آباد' بزم جمیل غلامان شیرربانی' ۱۹۸۸م
- ۴- **شجرہ طیبہ مع معمولات نقشبندیہ** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ' ناشر : شرقپور' مکتبہ نوراسلام۔
- ۵- **مختصر حالات حضرت شیرربانی و حضرت ثانی لاثانی میاں غلام اللہ شرقپوری** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ' ناشر : شرقپور' مکتبہ نوراسلام۔
- ۶- **منبع انوار در شرقپور شریف** : مختصر حالات و واقعات حضرت میاں شیر محمد شرقپور رحمۃ اللہ علیہ : مرتبہ : حضرت صاحبزادہ میاں جلیل احمد شرقپور' ناشر : فیصل آباد' بزم جمیل' ۱۹۸۸م۔
- ۷- **نوراسلام شیرربانی نمبر** : مدیر اعلیٰ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ' ناشر : شرقپور' مکتبہ نوراسلام۔



## شیر ربانی نامہ

سرودہ: دکتر محمد حسین تسیجی (رہا)

۲۲ جمادی الثانی ۱۳۱۵ھ مطابق ۲۹ نومبر ۱۹۹۳ء

در وصف حضرت مولانا شیر محمد شیر ربانی شرقپوری رحمۃ اللہ علیہ درگاہ او  
شرقپور شریف ضلع شیخوپورہ (پاکستان)

زبدۃ	الاولیا	ربانی
گوهر	درج عشق	ربانی
پند و اندرز	ز او نوای دل	
ضوفشان	است شیر ربانی	
نور	اسلام آستانہ	او
روشنی	بخش عالی و	دانی
شد	به شیر محمد	او معروف
شیر	احمد مجدد	ثانی
شرقپور	از وجود او	روشن
حافظ	آیہ ہائی	قرآنی
شرقپور	شریف	آبادان
از	وجود امام	روحانی
جاذب	قلب و جان	ہر مومن
چشمہ	آب پاک	فیضانی
ہر	کہ خواهد	طریقت اسلام
نور	اسلام و	نور رحمانی
عارفانہ	کلام او	بر خوان
تا	شود جان تو	گلستانی

از جمیل احمد آمد این دفتر  
رہمنا بہر ہر مسلمانی

لفظ زیبای معنوی بنگر

صادق القول شیخ نورانی

شد جمیل احمد جانشین پدر  
بانوی بارگاہ ربانی

صاحب ذوق و فکر والدخود

نظم و نثر و کلام عرفانی

ترجمہ کردہ دفتر عرفان  
این محمد نذیر انسانی

رانجہا شد ملقب و اکنون

خوشہ چین جهان روحانی

بہ شبلی لقب بود چون گل  
بابیان و کلام ایمانی

فارسی شد زبان بہ ہر محفل

در وفا عہد خوب پیمانی

ہرچہ خواہی بجو ازین دفتر  
حال و احوال شیر ربانی

نور اسلام اگر بود از شرق

شرقیور است چراہ پنهانی؟

دیدہ ام بارگاہ و درگاہ او  
مرزرع و سبزہ بہارانی

میزبان بود آن جمیل احمد

کردہ جان مرابہ مهمانی

در کتب خانہ اش بود موجود  
گنج عرفان و گنج سلطانی

هر که خواهد طریق حق جوید  
شد جمیل احمد بحر جوشانی

ثانی لاثانی جانشین آمد  
او غلام الله خدا دانی

شو روانه به شرقپور شریف  
بشنو الفاظ شاه لاثانی

آن حکم محمد موسی  
شد حکیم دل و جهانبانی

رهنمای همه جوانان شد  
مطبخ بین دعاخوانی

من اسیر کلام موسی ام  
حافظش باد خدای ربانی

این رها راه حق همی جوید  
زبده اولیای ربانی

